

## **Geopolitical Analysis of Unemployment of University Graduates in Kermanshah Province**

**Masood Naderi\***  
**Farzad Rostami\*\***

### **Abstract**

In today's Iranian society, potential dangers can be identified; Such as water scarcity crisis, the micro dust crisis, the consequences of cyberspace and many other issues. One of these issues in Iran, which is becoming more and more prominent, is the issue of unemployed university graduates. The unemployed university graduates, as cortical aware of the situation, and sometimes disappointed, has the potential to fall into the lap of political or religious issues, self-destruct, and even engage in political making flow, because nowadays the unemployed university graduate has introduced himself/herself as a class. This issue cannot be limited to a specific region, because nowadays it has spread across the country, but some provinces experience this issue with a higher percentage, one of which is Kermanshah province. The present study seeks to investigate the issue of unemployed university graduates in Kermanshah province, based on a critical geopolitical approach. To clarify this issue, two quantitative and qualitative methods have been used together to determine to what extent the unemployed university graduate class can be considered a threatening factor in a border province. Therefore, in the qualitative method using the interview technique and in the quantitative method using the questionnaire tool, this issue was investigated. Ten unemployment experts in Kermanshah province were interviewed and a questionnaire was distributed among 406 unemployed graduates in the province, and the collected data were analyzed based on the conceptual framework of "Holes in the state" by Richard Muir. The findings showed that in religious minorities, ethnic and master's and doctoral degrees, components such as weakening national identity, weakening institutional trust, feeling of discrimination or weakening the sense of citizenship, are more represented, which this issue can provide a threat for this topic in the future.

**Keywords:** unemployed university graduate, Kermanshah province, critical geopolitics, Holes in the state.

**Article Type:** Research Article.

---

**Citation:** Naderi, Masood & Rostami, Farzad (2022). Geopolitical Analysis of Unemployment of University Graduates in Kermanshah Province, *International Political Economy Studies*, 5 (2), 689-727.

---

\* Ph.D Student of Political Sociology, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

\*\* Assistant Professor of International Relations, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Autor), f.rostami1361@gmail.com

---

*International Political Economy Studies*, 2022, Vol. 5, Issue 2, pp. 689-727.



Copyright © The Authors  
Publisher: Razi University.

## تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه

مسعود نادری\*

فرزاد رستمی\*\*

### چکیده

در جامعه امروزی ایران می توان خطرات بالقوه ای همچون بحران کم آبی، بحران ریزگردها، پیامدهای فضای مجازی و بسیاری مسائل دیگر را شناسایی کرد. یکی از این موضوعات در کشور ایران که هر لحظه بروز بیشتری می یابد، موضوع فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهی است. فارغ التحصیل دانشگاهی بیکار به عنوان قشری آگاه به شرایط و گاه ناامید، این پتانسیل را دارد که به دامان جریانات سیاسی یا مذهبی افتاده، خودتخریبی کند و حتی به جریان سازی سیاسی دست بزند، زیرا امروزه فارغ التحصیل دانشگاهی بیکار به منزله یک طبقه خود را مطرح کرده است. این مسئله را به هیچ وجه نمی توان به منطقه خاصی محدود نمود، زیرا امروزه به پهنای کشور گسترش یافته است، اما پاره ای از استان ها با درصد بالاتری این موضوع را تجربه می نمایند که یکی از مهم ترین آن ها، استان کرمانشاه است. پژوهش حاضر در پی آن است که مسئله فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار استان کرمانشاه را براساس رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی بررسی کند. در راستای شرح این مسئله، از دو روش کمی و کیفی در کنار یکدیگر بهره برده شده تا مشخص نماید طبقه بیکار فارغ التحصیل دانشگاهی تا چه اندازه می تواند عامل تهدیدزایی در یک استان مرزی قلمداد شود. به همین سبب در روش کیفی با استفاده از فن مصاحبه و در روش کمی با استفاده از ابزار پرسش نامه، این موضوع بررسی شد. با ده نفر از متخصصان حوزه بیکاری در استان کرمانشاه مصاحبه گردید و همچنین پرسش نامه ای میان ۴۰۶ نفر از فارغ التحصیلان بیکار در سطح استان توزیع و براساس چارچوب مفهومی «حفره های دولت» از ریچارد موریر تحلیل شد. یافته های پژوهش نشان از آن دارد که در اقلیت های مذهبی، قومی و مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری، مؤلفه هایی همچون تضعیف هویت ملی، تضعیف اعتماد نهادی، احساس تبعیض یا تضعیف حس تعلق شهروندی، نمود بیشتری دارد که همین مسئله می تواند در آینده بستر تهدیدسازی را برای این موضوع فراهم نماید.

**کلیدواژه ها:** تحصیل کرده بیکار، استان کرمانشاه، ژئوپلیتیک انتقادی، حفره دولت.

**نوع مقاله:** پژوهشی.

\* دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

\*\* استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(نویسنده مسئول)، f.rostami1361@gmail.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره دوم، ۶۸۹-۷۲۷.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



## ۱. مقدمه

نیمکت پارک، میزبان جوانانی است که پیش از یافتن شغل بازنشسته شده‌اند! گزاره‌ای دردناک اما واقعی انکارناپذیر. شاید در نگاهی سطحی، فرد بیکار را شخصی بدانیم که فاقد درآمد یا موقعیت اجتماعی مناسب باشد، اما با کمی تأمل بیشتر، از دل بیکاری می‌توان آسیب‌های اجتماعی را یافت نمود که با مدیریت مناسب نیروی انسانی، می‌شد از این دسته آسیب‌ها جلوگیری نمود. اگر کارشناسان علوم اجتماعی، آسیب را موجد قبح اخلاقی و اجتماعی می‌دانند، با سرایت آسیب به تمام بدنه جامعه، این دسته از خطرات از سطوح اخلاق فردی و اجتماعی به لایه‌های سیاست و امنیت کشیده خواهد شد. چنین گمانه‌ای زمانی تقویت خواهد شد که جامعه‌ی هدف بیکاری، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باشد. قرار گرفتن قشری فرهیخته و آشنا به شرایط، در کنار زمینه‌های محیطی بالقوه، می‌تواند بیش از پیش به بیکاری این قشر، رنگ و بوی امنیتی بدهد. بی‌شک محیط، پرورش‌دهنده افکاری است که آن افکار چنان‌که باید و شاید قوی نبوده‌اند و قرار گرفتن در معرض عوامل تشدیدکننده، منجر به باورپذیری اجتماعی شده است. اینکه فرد، بیکاری خود را ناشی از توان پایین خود بداند و یا ناشی از مدیریت غیر اصولی و اعمال سلیقه‌های ساختاری، موجب تفاوتی معنادار در رویکرد ذهنی و رفتار عینی وی خواهد بود.

حنانه جاموسی و ماهر گساب<sup>۱</sup> با بررسی عوامل تعیین‌کننده بیکاری فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی در تونس، دو عامل اساسی را مشخص می‌نمایند: اول: انبوه‌سازی آموزش عالی و دوم: ایجاد اشتغال ناکافی. در واقع این دو معتقدند ابتدا پذیرش بیش از حد در دانشگاه‌ها و سپس عدم برنامه‌ریزی در جهت جذب این جمعیت انبوه، دلیل اصلی بیکاری این قشر از جامعه بوده است (Jamoussi & Gassab, 2014: 5).

هیگینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «چالش بیکاری جوانان» دو سؤال اولیه را مطرح می‌نماید: اول: جوانان چه کسانی هستند؟ و دوم: بیکاری چیست؟

1. Hanène Ben Ouada Jamoussi & Maher Gassab

2. Niall O'Higgins

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۶۹۱

در پاسخ به پرسش اول، او معتقد است که طبق تعریف استاندارد سازمان ملل، جوانان گروه سنی پانزده تا بیست و چهار سال را شامل می‌شوند. در عمل، تعریف عملیاتی جوانان بسته به عوامل فرهنگی، نهادی و سیاسی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در کشورهای صنعتی، محدودیت سنی پایین معمولاً با حداقل سن قانونی ترک تحصیل مطابقت دارد. به عنوان مثال، در بریتانیا، «سیاست اشتغال جوانان» به طور کلی سیاست‌هایی را نشان می‌دهد که در گروه سنی ۱۸-۱۶ سال قرار دارند در حالی که در ایتالیا، این اصطلاح برای توصیف سیاست‌های افراد بین ۱۴ تا ۲۹ سال در شمال ایتالیا و ۱۴ تا ۳۲ سال در جنوب آن به کار می‌رود. در گروه جوانان، تمایز بیشتر بین نوجوانان و جوانان نیز مهم است، زیرا مشکلات پیش روی این دو گروه کاملاً مشخص است.

هیگینز در پاسخ به سؤال دوم عنوان می‌دارد که اگرچه ممکن است بدیهی به نظر برسد، اما مهم است که ابتدا با بحث مختصر در مورد منظور از بیکاری شروع کنیم. مطابق تعریف سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> که اکنون بیشترین کاربرد را دارد، حداقل در مورد گزارش آمار بیکاری، بیکاران به عنوان افرادی تعریف می‌شوند که بیش از یک ساعت در دوره کوتاه مدت کار نکرده باشند اما در دسترس قرار دارند و فعالانه به دنبال کار هستند (Higgins, 1997: 1).

این آمارها به هر شکل و با هر معیاری سنجیده شود، استان کرمانشاه در دو گونه از بیکاری، یعنی بیکاری عمومی و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، همواره در میان پنج استان اول کشور قرار دارد. با این وجود آنچه در پژوهش حاضر بررسی می‌شود، مسئله‌ساز شدن بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه به عنوان یک متغیر اقتصادی و تبدیل این موضوع، از مسئله به یک تهدید است. در واقع مسئله اساسی آن است که بررسی نماییم بیکاران تحصیل کرده دانشگاهی با توجه با ماهیت مرزی استان تا چه اندازه این توان را دارند که از یک مسئله ساده اقتصادی - اجتماعی، تبدیل به یک مسئله سیاسی و امنیتی شوند.

جدول ۱. مقایسه آمار بیکاران فارغ‌التحصیل کرمانشاه و سایر استان‌ها در کشور (محمدی‌فر، ۱۳۹۹: ۱۷۲)

عنوان	کاردانی	کارشناسی	ارشد و دکتری	مجموع
کشور	۲۰۵۲۲۴	۸۳۳۹۲۷	۲۶۷۱۸۱	۱۳۰۶۳۳۲
کرمانشاه	۴۴۶۱	۲۹۴۴۲	۱۱۶۲۹	۴۵۵۳۲
سایر استان‌ها	۲۰۰۷۶۳	۸۰۴۴۸۵	۲۵۵۵۵۲	۱۲۶۰۸۰۰
سهم کرمانشاه از کل	۲/۲	۳/۵	۴/۴	۳/۵

با تمام این تفاسیر می‌بایست نگاهی به بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه داشته باشیم: براساس گزارش مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه با نرخ بیکاری ۱۸/۴ درصدی، بیشترین بیکاری را در استان‌های کشور دارد. همچنین مدیرکل اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کشور را ۱۸/۳ و در استان کرمانشاه ۲۸/۵ اعلام نمود. سال‌های ۸۴ تا ۹۸ متوسط نرخ بیکاری در کشور حدود ۱۲ درصد بوده است اما استان کرمانشاه خارج از این روند کلی قرار گرفته است و با نرخ صعودی روبه‌رو بوده است. از طرف دیگر یافته‌های طرح پژوهشی پایش وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که در آذرماه ۱۳۹۹ منتشر شد نشان از یک واقعیت تلخ دارد: نرخ ۲۸/۵ درصدی بیکاری دانش‌آموختگان (محمدی‌فر، ۱۳۹۹: ۱۶۷)؛ البته تفاوت‌های معناداری در این آمار وجود دارد و گاه اعداد بالاتری را حکایت می‌کند. در مجموع حدود ۴۶ درصد بیکاران کشور و حدود ۴۲ درصد از بیکاران استان کرمانشاه را افراد با تحصیلات دانشگاهی به خود اختصاص داده‌اند. ترکیب سهم تحصیلاتی بیکاران از کل نیز حائز توجه است. سهم بیکاران با تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) از مجموع بیکاران در استان کرمانشاه ۱۰/۶ درصد و در کشور ۹/۴ است.

در همین راستا از نظرات ده نفر از متخصصین اشتغال با گرایش‌های مختلف علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و کارآفرینی بهره گرفته شده است، پرسش‌نامه‌ای تهیه، توزیع و تحلیل گشته و در آن از پاسخ‌دهندگان خواسته شده نظر خود را درباره گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های «تضعیف هویت ملی»، «جریان‌سازی سیاسی»، «تضعیف حس تعلق شهروندی»، «تضعیف اعتماد نهادی»، «تبعیض قومی»، «احساس تبعیض» و «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، اعلام نمایند. یافته‌های حاصل

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۶۹۳

از مصاحبه‌ها و تحلیل پرسش‌نامه، از راه مفهوم «حفره‌های دولت<sup>۱</sup>» در اندیشه «ریچارد مویر<sup>۲</sup>» مورد استفاده قرار گرفته تا بتوان به درک ژئوپلیتیکی از این مسئله نائل شد و افق درستی از درجه حساسیت موضوع داشت.

پرسش اصلی پژوهش این است که ساختار جغرافیایی استان کرمانشاه و مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی آن، در مسئله فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی، چه تهدیداتی را به دنبال خواهد داشت؟ در واقع هدف محققان این است که ضمن واکاوی وضعیت فارغ‌التحصیلان بیکار استان کرمانشاه، به تبیین تهدیدات احتمالی چنین مسئله‌ای نیز پرداخته شود.

به منظور شرح موضوع، ابتدا به پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود، سپس ژئوپلیتیک انتقادی و نگاه ریچارد مویر به «حفره‌های دولت» تشریح می‌گردد، پس از آن روش‌شناسی پژوهش ارزیابی خواهد شد، در بخش بعدی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، در ایران و به طور خاص در استان کرمانشاه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت، در مرحله بعد یافته‌های پژوهش ابتدا در قالب مصاحبه با متخصصین و سپس داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، تجزیه و تحلیل خواهد شد و در نهایت ارتباط بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه با ژئوپلیتیک استان و مفهوم حفره‌های دولت روشن خواهد شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

مختاری‌پور (۱۳۸۲) در مقاله «تأثیر عوامل اقتصادی - آموزشی بر بیکاری و اشتغال تحصیل کرده‌های دانشگاهی»، به بررسی اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با عطف به زمینه‌های اقتصادی و آموزشی پرداخته است و سپس نگرش‌های اعضای هیئت‌علمی دانشگاه و دانشجویان را در این زمینه پیگیری نموده است.

بیابانی (۱۳۸۲) در مقاله «بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و بیکاری ساختاری»، بر این باور است که بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی معلول ساختارهاست. در واقع ساختار موجب بیکاری شده است و این ساختار با بحث جمعیت در ارتباط نزدیک قرار می‌گیرد؛ یعنی جمعیت و تغییر در این جمعیت موجبات بیکاری را فراهم آورده است.

---

1. Holes in the state  
2. Richard Muir

نادری (۱۳۸۵) در مقاله «پارادوکس کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ‌التحصیل دانشگاهی»، بر این عقیده است که آموزش عالی نیروهای زیادی را پرورش داده است، اما این نیروها بایستی مورد استقبال بازار کار ایران قرار گیرند که این اتفاق نیفتاده است، پس نیازمند بازبینی در سیاست‌های آموزشی و اقتصادی هستیم.

ملائتی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «توسعه، تحصیلات عالی و بیکاری»، معتقدند که با توجه به آمار و ارقام موجود، وضعیت اشتغال افراد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم، به مراتب بهتر از افراد با مدارک دانشگاهی است و نتیجه می‌گیرند که نیازهای تخصصی بازار در امر آموزش نیروها، رعایت نشده است.

پیشگاهی فرد و رضائی (۱۳۸۸) در پژوهش «بررسی مفهومی و مصداقی حفره‌های دولت»، با رویکردی بنیادی به بررسی نظریه حفره‌های دولت پرداخته‌اند. این دو معتقدند در اطراف دولت، خطرهایی وجود دارد که حاکمیت دولت را در فضای جغرافیایی اش تهدید می‌نماید و بر چنین خطراتی نام حفره دولت می‌گذارند.

اعظمی و دبیری (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل عناصر تهدید سیاسی-امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران»، از عواملی همچون تمرکز اقتصادی-سیاسی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، بی‌توجهی به مشارکت مردم و... نام می‌برند. یکی از این عوامل را «حفره‌های دولت» قرار می‌دهند و معتقدند نواحی که نظارت حقوقی و قانونی دولت در آن‌ها پاسخگوی بحران‌ها نیست، حفره‌های دولت قلمداد می‌شوند.

اکبری‌پور (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۶» عنوان می‌دارد که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از رقم ۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ به رقم ۱۱/۷ در سال ۱۳۸۱ رسیده است. همچنین متذکر می‌شود که کلیت بازار کار در ایران با ویژگی‌هایی همچون بالا بودن نرخ بیکاری، روند روبه‌رشد نرخ بیکاری، پایین بودن نرخ مشارکت، حضور کم‌رنگ زنان در حوزه اشتغال و مواردی از این دست، همراه است.

در تمامی این آثار می‌توان به مغفول‌ماندن یک یا چند نکته از قبیل نکات زیر اشاره کرد:

- نبود نگاه منسجم جامعه‌شناسی سیاسی به موضوع؛

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۶۹۵

- تأکید بیش از حد بر بیکاری به عنوان پدیده‌ای با دلایل و تبعات اقتصادی؛
- عدم رصد موضوع از زاویه دید خود فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی؛
- استفاده نکردن از نظرات متخصصین؛
- بی‌توجهی به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک در سیاسی شدن موضوع بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی؛
- و در نهایت نبود توجه به مسئله قومیت، مذهب و زبان در ذهن فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی.

### ۳. ژئوپلیتیک انتقادی

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اندیشه‌های قدیمی‌تر در حوزه ژئوپلیتیک را تحت عنوان ژئوپلیتیک سنتی نام نهاد؛ نظریه‌هایی از قبیل نظریه آلفرد ماهان<sup>۱</sup> (۱۸۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر نیروی دریایی بر تاریخ در سال‌های ۱۶۶۰ تا ۱۷۸۳»<sup>۲</sup>، «محور جغرافیایی تاریخ»<sup>۳</sup> اثر هالفورد مکیندر، نظریه «سرزمین حاشیه»<sup>۴</sup> (۱۹۰۴)، اثر نیکولاس جان اسپایکمن<sup>۵</sup>، نظریه «قدرت هوایی» الکساندر سورسکی<sup>۶</sup> (۱۹۴۹)، «سیستم ژئوپلیتیک جهان» اثر سونل بی کوهن<sup>۷</sup> (۱۹۷۳-۱۹۶۴) و یا «بیضی استراتژیک»<sup>۸</sup> اثر جفری کمپ<sup>۹</sup> (۱۹۹۷)، همگی در قالب ژئوپلیتیک سنتی قرار خواهند گرفت.

اگر تمام موارد پیش گفته را جزئی از ژئوپلیتیک سنتی و دارای رویکرد مدرن بدانیم، ژئوپلیتیک انتقادی<sup>۱۱</sup> دارای رویکردی پست‌مدرن خواهد بود، زیرا در اینجا با عناصر قدرت و هویت درگیر خواهیم بود. رویکرد انتقادی واکنشی به ژئوپلیتیک سنتی، نورئالیسم والتزی و همچنین اثبات‌گرایی است. اگر ژئوپلیتیک سنتی و کلاسیک نگاهی جهانی به امنیت دارد،

- 
1. Alfred Thayer Mahan
  2. Influence of Sea Power upon History, 1660-1783
  3. The geographical pivot of history
  4. Halford Mackinder
  5. Rimland
  6. Nicholas John Spykman
  7. Alexander Nikolaievich Prokofiev de Seversky
  8. Saul B. Cohen
  9. The Strategic Energy Ellipse
  10. Geoffrey Kemp
  11. Critical Geopolitic



ژئوپلیتیک انتقادی نگاهی اجتماعی دارد (قاسمی، ۱۳۹۵: ۵۵-۲۰). امروزه با گسترش ارتباطات، ما شاهد پیوند فضا و زمان هستیم که معنای آن را می‌توان در مباحث مربوط به جهانی شدن جست‌وجو نمود. در واقع معانی پیشین تا حدی رنگ و بوی خود را از دست داد و آنچه تا پیش از این از دل سنت فکری کلاسیک، در باب مکان استخراج می‌گردید تا حدودی به حاشیه رفت و مکان تحت تأثیر گفتمان فکری و سیاسی قدرت، شاهد دگرذیسی معنایی شد و تعریف فضا از دل این وضعیت استنباط گشت. همین تفاوت در نوع نگاه موجب تغییرات فکری در حوزه جغرافیای سیاسی شد و جهانی از نظرات همگون و متناقض را به عرصه تفکرات علمی عرضه نمود.

درک از امنیت در ژئوپلیتیک انتقادی به نگاه منتهی به روابط جامعه و دولت بازخواهد گشت. امنیت یک دولت، از گذرگاه شهروندان عبور خواهد نمود. با نگاهی تاریخی باید گفت همه مفاهیم دارای ریشه خاصی هستند و اصطلاح «ژئوپلیتیک» نیز از این قاعده مستثنا نیست. این واژه در سال ۱۸۹۹ توسط یک دانشمند سیاسی سوئدی به نام رودولف کلژن<sup>۱</sup> استفاده شد و در قرن بیستم ادامه یافت و بسیار فراتر از معنای اصلی خود در کار کلژن پیش رفت تا نشانگر نگرانی عمومی درباره جغرافیا و سیاست باشد (جغرافیا-سیاست) (otuathil et al., 1998: 1). مقاله «ژئوپلیتیک و گفتمان: استدلال ژئوپلیتیک عملی در سیاست خارجی آمریکا»، به نویسندگی اتوتایل و آگنو<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۹۲ منتشر شده است، امروز می‌تواند تقریباً خود یک «دوران» تلقی شود، زیرا آغاز دوره جدیدی در ژئوپلیتیک، با فراهم آوردن چارچوب نظری ژئوپلیتیک انتقادی است. اگرچه این مقاله پس از ژئوپلیتیک انتقادی دالبی با عنوان «گفتمان، تفاوت و اختلاف»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۱ منتشر شد و گفتمان را به عنوان هدف مطالعه در ژئوپلیتیک انتقادی عمیقاً مورد مطالعه قرار داد، اما مقاله اتوتایل و آگنو، همچنان یکی از برجسته‌ترین مقاله‌ها در زمان حال باقی مانده است (Kurečić, 2016: 4).

- 
1. Rudolf Kjellén
  2. Geopolitics and Discourse: Practical Geopolitical Reasoning in American Foreign Policy
  3. Gearoid O'Tuathail & John Agnew
  4. Discourse, Difference and Dissent

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۶۹۷

در ژئوپلیتیک کلاسیک ما یک سنت گسستگی و در ژئوپلیتیک انتقادی نوعی از سنت وابستگی را شاهد هستیم، گسست میان جامعه و دولت و وابستگی میان این دو. ژناروید اتوتایل یکی از نظریه‌پردازان انتقادی جغرافیای سیاسی معتقد است که ژئوپلیتیک، هویتی جدا ندارد، بلکه گفتمانی متفاوت برای توصیف، نشان دادن و نوشتن از جغرافیا و سیاست بین‌المللی است (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۳). در همین راستا رابرت کاکس<sup>۱</sup> معتقد است در نظریه سنتی روابط بین‌الملل شاهد جدایی میان دولت و جامعه مدنی هستیم، حال آنکه این امر پذیرفته نیست و می‌بایست به روابط میان نیروهای اجتماعی، دولت‌ها و نظام جهانی توجه شود (احمدی‌پور و بدیعی، ۱۳۸۱: ۲-۱).

از دیدگاه اندیشمندان دیگر، به صورت کلی علوم سیاسی بر دو مثلث تمرکز دارد؛ مثلث اول قدرت، سیاست و خط‌مشی و مثلث دوم فضا، مکان و سرزمین. در واقع جغرافیای سیاسی در مورد تعامل این دو مثلث است. در مثلث دوم، فضا (الگوهای مکانی یا روابط فضایی) کالای اصلی جغرافیا است. جغرافیای سیاسی تشخیص می‌دهد که این شش نهاد - قدرت، سیاست و خط‌مشی، فضا، مکان و سرزمین - باهم پیوند ذاتی دارند. مکان یک نقطه خاص در فضا است، در حالی که سرزمین نشان‌دهنده یک تلاش رسمی‌تر برای تعریف و محدود کردن بخشی از فضا است (Jones et al., 2004: 3).



شکل ۱. پیوند ذاتی نهادهای قدرت، سیاست، خط‌مشی، سرزمین، مکان و فضا (Jones et al., 2004: 3)

#### ۴. چارچوب مفهومی: حفره‌های دولت

تفکرات ریچارد مویر در قالب ژئوپلیتیک انتقادی جای می‌گیرد. در ژئوپلیتیک انتقادی اعمال مکانی و بازنمایی‌های فضا، به صورت دیالکتیکی درهم تنیده شده‌اند؛ به عبارت دیگر،

1. Robert Warburton Cox

شرایط مکانی زندگی مادی از راه بازنمایی‌های آن‌ها شکل می‌گیرد و مطمئناً بازنمایی‌ها توسط خطوط مکانی زندگی مادی شکل می‌گیرد. روش دیگر برای بیان این امر، این خواهد بود که بگوییم گفتمان، معادل تئوری درمورد چگونگی عملکرد جهان است که به‌طور ضمنی در عمل توسط یک سیاستمدار، نویسنده، شخص دانشگاهی یا یک شخص معمولی، فرض می‌شود (Agnew & Corbridge, 1995: 47). ژئوپلیتیک انتقادی به‌جای یک تلاش واحد تحلیلی یا روش‌شناختی، روش‌های مختلفی برای گشودن پای مفروضات جغرافیایی به سیاست را دربر می‌گیرد و می‌پرسد که چگونه تصورات نقشه‌برداری از اینجا و آنجا، داخل و خارج، آن‌ها و ما، ایالت‌ها، بلوک‌ها، نواحی، مناطق یا دیگر مشخصات جغرافیایی، برای تسهیل برخی از احتمالات سیاسی تلاش کرده است و دیگران را محروم و ساکت می‌کند (Dalby, 2008: 2).

میچی کاس<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «ژئوپلیتیک انتقادی» معتقد است که به‌عنوان بخشی از علاقه به ذهنیت سیاسی و شکل‌گیری سوژه، میل چشم‌گیری به سیاست هویت وجود داشته است، یعنی در مشخص شدن جغرافیایی خود و دیگران، «فضای» ما و «آن‌ها». کاس بر این عقیده است که جان آگنو یک فرمول مختصر و کوتاه دارد: «مرزها ملت را می‌سازند نه برعکس». در حقیقت، مرزها در وهله اول، این‌گونه تعریف می‌شوند: جایی که قسمت داخلی از بیرون مشخص می‌شود و خود با دیگری متمایز می‌گردد (Kuus, 2007: 8).

درواقع این همان پیوند میان فضا، قدرت و هویت است که خالق گفتمان امنیت نوین در پهنه‌ای بی‌انتهای خواهد شد. چه بخواهیم یا خیر، امروزه با پیچیدگی شکلی و ساختاری در تمام ابعاد زندگی درگیر شده‌ایم، این یک حقیقت غیرقابل کتمان است، زیرا گستره زندگی بسیار وسیع‌تر از یک مکان خواهد بود.

ریچارد مویر نویسنده دو اثر برجسته یعنی: «جغرافیای سیاسی مدرن<sup>۲</sup>» (۱۹۷۵) و «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی<sup>۳</sup>» (۱۹۹۵) است. وی با رویکرد انتقادی خود به ژئوپلیتیک، بحثی نوین را درانداخت که پردازش آن، جهت ادامه مسیر این پژوهش،

---

1. Merje Kuus  
2. Modern Political Geography  
3. Political geography: A new introduction

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۶۹۹

راهگشا خواهد بود. پیش از هر چیزی ضروری است تا اولیه‌ترین تعریف از حفره‌های دولت، منطبق بر آنچه مویر در کتاب «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی» به آن معتقد است را، بدون کم و کاست بیان کنیم:

«نواحی که نظارت‌های معمول دولت در آنجا اعمال نمی‌شود» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۱). در واقع نمایش امنیت از راه نظارت و پیوند آن با قدرت در فضای کاملاً سیاسی و نه خشتی، همان نقطه عطفی است که اندیشه وی را از پیشینیان خویش متمایز می‌سازد. نظارت، شاخصه انسانی و انسان‌گرایی را با ژئوپلیتیک پیوند می‌دهد، انسان نسخه اولیه آفرینش بود که از مراقبت و محافظت، مرحله به مرحله به پیش آمد تا به نظارت امروزی رسید. فضایی تحت کنترل با کمترین هزینه و کمترین کاربرد نیروی انسانی و با بیشترین آثار کنترلی. خط بطلان مویر بر رویکرد پوزیتیویستی از همین تأکید بر انسان و سیاسی پنداشتن موضوعات سرچشمه می‌گیرد. انسان می‌تواند فضا را بسازد و از دل همین فضا، مکان را استخراج نماید. مرز چیزی جز فضای القاشده از انسان و حکومت نیست، مرز چیزی جز تفکر حامل بر خط بردار نیست.

مویر شکل‌گیری عدم امنیت در مناطق را با مفهوم «حفره دولت» به پیش می‌برد، اما این مفهوم دارای چند عامل اساسی است: ۱. ضعف در نظارت؛ ۲. شکاف میان فقیر و غنی؛ ۳. خلق دوگانه‌ها و شکل‌گیری مرزبندی اجتماعی؛ ۴. احساس شهروندی واقعی؛ ۵. عدم توانایی لازم در بدنه حکومت برای پاسخگویی؛ ۶. تنش قومی.

برای درک صحیح‌تر از نوع نگاه مویر، می‌توان به مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۱۵ با الکساندر مورفی<sup>۱</sup>، استاد جغرافیا دانشگاه اورگان در مورد تعریف ژئوپلیتیک انجام گرفت استناد نمود که در آن مورفی به اندیشه‌های جان آگنو رجوع کرد: «تعبیر جان آگنو (۱۹۹۸) را بسیار مفید می‌دانم: «بررسی تأثیر توزیع‌ها و تقسیمات جغرافیایی بر رفتار سیاست جهانی. در کاربرد اصلی خود به تأثیرگذاری بر روابط بین ایالتی فضای مکانی قاره‌ها و اقیانوس‌ها و توزیع منابع طبیعی و انسانی اشاره داشت؛ اما امروز، این اصطلاح شامل بررسی همه فرضیات جغرافیایی، نام‌گذاری‌ها و تفاهم‌هایی است که در ساختن سیاست

---

1. Alexander Murphy

## ۵. روش‌شناسی پژوهش

نگارندگان در نوشتار پیش رو، از روش مطالعه کیفی و کمی در کنار یکدیگر بهره جسته‌اند. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پژوهشگران در اینجا مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه است. بدین صورت که ابتدا مصاحبه‌ای با تعداد ده نفر از متخصصین این حوزه انجام شده و سپس ضمن استفاده از این مصاحبه‌ها در تحلیل نهایی، از آن‌ها در راستای استخراج مؤلفه‌های پرسش‌نامه نیز بهره گرفته شده است. افزون بر این از اسناد چاپی همانند کتاب، دائرةالمعارف‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، سالنامه‌ها، مصاحبه‌های چاپ‌شده، پژوهش‌نامه‌ها، کتاب‌های همایش‌های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت نیز بهره گرفته شده است.

در روش کیفی، مصاحبه‌شوندگان باید از میان آگاهان محلی انتخاب شوند؛ بنابراین نمونه‌گیری متناسب با این روش، نظری (هدفمند) است. در این نمونه‌گیری مصاحبه‌شوندگان به‌طور عمدی و نه تصادفی انتخاب می‌شوند؛ بنابراین، از ده نفر از افرادی که در این حوزه بیشترین اطلاعات و آگاهی را دارند مصاحبه به عمل خواهد آمد. همچنین از این نمونه‌ها خواسته شد که افراد مطلع دیگر را به ما معرفی نمایند. با توجه به شیوع بیماری کووید ۱۹ و محدودیت‌های جدی بر سر راه انجام مصاحبه حضوری، در نهایت ۵۰ درصد مصاحبه‌ها به شکل حضوری و بقیه مصاحبه‌ها به روش‌های غیرحضوری (تماس تلفنی، ایمیل، کانال‌های مجازی و...) انجام شد. افزون بر پردازش کامل این مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های اصلی پرسش‌نامه نیز از بطن آن استخراج گردید.

در پژوهش حاضر، چون جامعه آماری متشکل از چندین گروه براساس شهرها است و به‌لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی دسته‌بندی صورت گرفته است، در نتیجه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه آماری هر یک از گروه‌ها استفاده شده است و به این دلیل که محققین قصد داشتند اطلاعات جامعی از تمامی شهرستان‌ها به‌دست آورند، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای و یا چندمرحله‌ای استفاده نگردید زیرا در این

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۰۱

صورت می‌بایست به چند خوشه (شهرستان) در استان اکتفا می‌شد. در همین راستا ۴۰۶ نفر پاسخگوی گویه‌های مربوطه به هفت مؤلفه این پرسش‌نامه بوده‌اند؛ که استخراج این مؤلفه‌ها ترکیبی است از نظرات متخصصین و چارچوب حفره‌های دولت که بر یکدیگر منطبق شده‌اند. همچنین مؤلفه‌های پرسش‌نامه عبارت بود از: «احساس تبعیض»، «جریان‌سازی سیاسی»، «تضعیف هویت ملی»، «تضعیف اعتماد نهادی»، «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، «تبعیض قومی» و «تضعیف حس تعلق شهروندی».

جدول ۲. توزیع پرسش‌نامه به تفکیک شهر

شهر	شاخص	فراوانی	درصد فراوانی
کرمانشاه		۱۸۸	۴۶/۳
کنگاور		۲۶	۶/۴
پاوه		۲۵	۶/۲
دالاهو		۱۲	۳/۰
صحنه		۱۱	۲/۷
سرپل ذهاب		۲۷	۶/۷
اسلام‌آباد غرب		۲۹	۷/۱
جوانرود		۱۳	۳/۲
قصر شیرین		۱۲	۳/۰
ثلاث باباجانی		۱۰	۲/۵
هرسین		۱۵	۳/۷
سنقر		۱۷	۴/۲
گیلان غرب		۱۰	۲/۵
روانسر		۱۱	۲/۷
جمع		۴۰۶	۱۰۰

جدول ۲. نشان می‌دهد که بیشترین نمونه آماری یعنی ۱۸۸ نفر (۴۶/۳٪) از نمونه آماری در کرمانشاه و کمترین نمونه آماری یعنی ۱۰ نفر (۲/۵٪) در ثلاث باباجانی و گیلان غرب ساکن بودند.

### ۵-۱. روایی<sup>۱</sup> پرسش‌نامه

برآورد روایی به این مفهوم اشاره دارد که وسیله اندازه‌گیری همان چیزی را که ادعا می‌کند دقیقاً همان چیز را اندازه بگیرد، یعنی متناسب با آن باشد و از مهم‌ترین آن روایی صوری و محتوایی است. برای آنکه پرسش‌نامه‌ای حداقل دارای روایی محتوایی باشد باید سؤالات آزمون با توجه به مبانی تئوریک دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا میزان ارتباط و تناسب آن‌ها با موضوع روشن گردد. روایی پرسش‌نامه‌های پژوهش در زیر ارائه می‌شود:

به منظور بررسی روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه در وهله اول از نظر استاد راهنما و متخصصان بهره گرفته شد، بعد از تأیید آن‌ها یک مطالعه مقدماتی بر روی ۴۰ نفر از نمونه آماری صورت پذیرفت و اقدام به تحلیل عاملی تأییدی شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامه پژوهش، ۷ بُعد مورد نظر را به دست آورد که در آن ۹۱ درصد واریانس پرسش‌ها استخراج شده بود. آزمون  $KMO = 0/62$  و بارتلت ( $P < 0/0001$ ) نشان داد که حجم نمونه کافی است و این عوامل در جامعه آماری وجود دارد. نتایج بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳٪ چرخش متعامد، ۷ بُعد مورد نظر را به دست آورد.

### ۵-۲. پایایی<sup>۲</sup> پرسش‌نامه

برای تعیین پایایی، روش‌های مختلفی وجود دارد. در این تحقیق برای مشخص نمودن پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ<sup>۳</sup> استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسش‌نامه‌ها یا آزمودن‌هایی که ویژگی‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود. در این گونه ابزار، پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. متخصصان معتقدند که «برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه سؤالات پرسش‌نامه یا زیرآزمون و واریانس کل را محاسبه نمود و سپس با استفاده از فرمول مربوطه، مقدار ضریب آلفا را به دست آورد.» (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۹) ضریب پایایی پرسش‌نامه‌های پژوهش

---

1. Validity  
2. Reliability  
3. Cronbach Alpha Coefficient

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۰۳

به‌وسیله نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است.

جدول ۳. ضرایب پایایی پرسش‌نامه پژوهش

ضریب پایایی	مؤلفه‌ها
۰/۶۹	جریان‌سازی سیاسی
۰/۹۳	تضعیف هویت ملی
۰/۶۹	تضعیف حس تعلق شهروندی
۰/۸۷	تضعیف اعتماد نهادی
۰/۷۹	تبعیض قومی
۰/۷۹	احساس تبعیض
۰/۶۶	انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت

پایایی محاسبه شده نشان‌دهنده پایایی قابل قبول برای پرسش‌نامه‌های پژوهش هست زیرا مقدار آن بیشتر از ۰/۶۰ است.

در جدول زیر ضرایب عامل گویه‌های پرسش‌نامه بررسی خواهد شد.

جدول ۴. ضرایب عاملی گویه‌های پرسش‌نامه

ضرایب عامل	گویه‌ها	مؤلفه‌ها
٪۷۰	گرایش به پیوستن در گروه‌های معاند در من رشد یافته است.	بازسازی سیاسی
٪۷۹	قصد دارم امواج فکری هم‌سو با جناح مخالف تولید و منتشر کنم.	
٪۷۷	در منازعات سیاسی حضور و فعالیت دارم.	
٪۷۹	تمایل دارم یک گروه سیاسی را رهبری یا پشتیبانی کنم.	
٪۷۱	عشق و علاقه به وطن در من کاهش یافته است.	تضعیف هویت ملی
٪۸۰	حس سرافرازی به پرچم سه رنگ ایران ندارم.	
٪۷۹	عشق به زبان فارسی در من کم شده است.	
٪۷۳	تلاش برای آبادانی ایران فایده‌ای ندارد.	
٪۷۰	به مسلمان بودن خود افتخار نمی‌کنم.	تضعیف شهروندی
٪۷۲	روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن در من کم شده است.	
٪۷۸	توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در من کم شده است.	
٪۶۸	تمایل به مشارکت در راستای حل مشکلات اجتماعی ندارم.	
٪۷۲	در مناسبات اجتماعی همچون راهپیمایی‌ها و انتخابات حضور کم‌رنگی دارم.	
٪۷۷	من سعی می‌کنم نسبت به وظایف خود در شهر آشنا باشم و آن را رعایت کنم.	



ادامه جدول ۴.

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	ضرایب عامل
تضعیف اعتماد نهادی	فکر می‌کنم اعتماد من به اطرافیان کم شده است.	٪۶۶
	اعتماد من به دولت و مسئولان دولتی کاهش یافته است.	٪۸۴
	به تصمیمات مسئولان اعتماد ندارم.	٪۸۶
	تمایلی به دریافت خدماتی که از سازمان‌ها و تشکیلات دولتی ارائه می‌شود، ندارم.	٪۶۵
بی‌عوض قومی	اعتماد به صداقت و درستکاری مسئولین در من وجود ندارد.	٪۸۴
	مسئولان ادارات مختلف باید از بین هم‌زبان‌های خودمان باشد و این یک حق طبیعی است.	٪۷۷
	بی‌توجهی دولت به رفاه و مطالبات قوم من کاملاً عمدی است و غیر قابل تحمل.	٪۷۴
احساس تبعیض	فکر می‌کنم اگر کردزبان نبودم تا حالا شغل مناسبی پیدا کرده بودم.	٪۶۹
	در زمینه برخورداری از مزایای اجتماعی احساس نابرابری می‌کنم.	٪۷۵
	احساس می‌کنم دیگران علی‌رغم عدم برتری، برخورداری بیشتری در مقایسه با من دارند.	٪۷۲
	فکر می‌کنم توزیع قدرت، ثروت و موقعیت در میان افراد جامعه برابر نیست.	٪۷۶
آباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت	شرایط برابری در برخورداری از فرصت‌های شغلی و انتخاب شغل وجود ندارد.	٪۷۶
	باور به بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، در اذهان عمومی نهادینه شده است.	٪۷۶
	فکر می‌کنم نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بیشتر از سایر گروه‌ها است.	٪۷۸
	احساس می‌کنم ساختار سیاسی، من را به چشم شهروند دیگری (غیر خودی) می‌نگرد و به همین دلیل از دستیابی به خواسته‌هایم محروم شده‌ام.	٪۶۶
	علاقه دارم با فارغ‌التحصیلان بیکار دیگر، درباره محرومیت‌هایم صحبت کنم.	٪۷۹

۳-۵. تعیین حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری از معادله نمونه‌گیری کوکران (Cochran formula) استفاده شده است.

$$n = \frac{1050000(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{2113391(0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 384$$

با توجه به فرمول بالا، حجم نمونه در این پژوهش حداقل می‌بایست ۳۸۴ نفر باشد. نظر به اینکه همواره درصدی از پاسخ‌دهندگان، پرسش‌نامه را بدون پاسخ می‌گذارند و یا دقت کافی را در پرسش‌نامه لحاظ نمی‌کنند، در نتیجه ۴۴۰ پرسش‌نامه توزیع گردید و در نهایت ۴۰۶ پرسش‌نامه کامل از پاسخ‌دهندگان دریافت شد که این تعداد منافاتی با عدد

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۰۵  
۳۸۴ که حداقل میزان توزیع است، نخواهد داشت و به تقویت هرچه بیشتر پرسش‌نامه کمک خواهد نمود.

## ۶. یافته‌های پژوهش

برای بررسی فرضیه مورد نظر و کاربردی نمودن چارچوب مفهومی، مصاحبه‌های انجام‌شده و همچنین پاسخ‌های مربوط به پرسش‌نامه، درمورد بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کرمانشاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در همین راستا مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و داده‌های حاصل از توزیع پرسش‌نامه، براساس چارچوب مفهومی «حفره‌های دولت»، تحلیل خواهد شد.

### ۶-۱. مصاحبه با متخصصین

در تحلیل مصاحبه متخصصین سه مضمون کلی یا فراگیر وجود دارد: «دلایل»، «تبعات» و «ظرفیت امنیتی».

مضمون فراگیر «دلایل» خود شامل: فرهنگی و اجتماعی، سیاست‌گذاری، ژئوپلیتیک، اقتصادی و ذهنیت است که از جمله مصادیق آن، می‌توان به این موارد اشاره نمود: فقدان فرهنگ کار، عدم دنباله‌روی دانشگاه از جامعه، سیاست‌های جمعیتی دهه ۶۰ و سرازیر شدن این جمعیت به دانشگاه، نبود آمایش رشته تحصیلی، عدم تعریف معین از جایگاه و نقش نهاد دانشگاه در امر توسعه (توسعه بومی)، نگرش تهدید محور به مرز، امنیتی‌شدن بیش از حد در نتیجه ضعف صدا و سیمای استان، اشتغال دلالی، اقتصاد معیشتی و نه صنعتی، فرهنگ اقتصادی کاسب‌کاری، عدم زایش اقتصادی (نبود سرمایه و سرمایه‌گذار جدید)، نگاه گریز از مرکز به اقوام مرزنشین، ذهنیت گزینش‌گر و اینکه دولت فاقد ذهنیت منسجم برای توسعه است.

مضمون فراگیر «تبعات» خود شامل: فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و ذهنیت است که از جمله مصادیق آن، می‌توان به این موارد اشاره نمود: طبقه اجتماعی سرخورده، تضعیف جامعه، دور شدن از جامعه، مطالبات معوق، جذب فرهنگ‌های بیگانه و آسیب به فرهنگ بومی، تشکیل طبقه متوسط فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاهی، بحران انتظارات فزاینده، تضعیف

هویت ملی، تولید بحران در سطوح مختلف، شکاف اجتماعی، سیاسی و در نهایت امنیتی، تضعیف حس تعلق شهروندی، بازخورد شدید احساس سرخوردگی، احساس تبعیض، خود محروم‌سازی، تضعیف اعتماد نهادی، خودتخریبی، عدم پاسخ به نیاز فارغ‌التحصیل و حرکت فارغ‌التحصیل به سمتی که پاسخ نیازهایش در آنجاست.

مضمون فراگیر «امنیتی‌سازی» خود شامل: تهدیدسازی و دنباله‌روی است که از جمله مصادیق آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: جریان‌سازی سیاسی، حرکات رسانه‌ای، پرخاشگری ناشی از محرومیت، تشکیل طبقه اجتماعی سرخورده دارای آگاهی، لغزش به دامان حرکات توتالیترانیستی، جذب در گروهک‌های قومی، جذب در گروهک‌های مذهبی.

جدول ۵. تمرکز تحلیل متخصصین

جریان‌سازی سیاسی	پرخاشگری ناشی از محرومیت	طرد اجتماعی
تضعیف اعتماد نهادی	تضعیف حس تعلق شهروندی	تضعیف هویت ملی
خودمحروم‌سازی	نگاه منفی جامعه	انزواطلبی
مهاجرت خارجی	تبعیض قومی	جذب در گروه‌های افراط‌گرا
عدم امید به آینده و تقدیرگرایی	کمبود منابع انسانی	خودتخریبی
طبقه محروم فارغ‌التحصیل بیکار	بحران انتظارات فزاینده	نگاه گزینش‌گر سیستم به اقلیت‌ها

جدول ۶. مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان

درصد فراوانی	مشخصات	شاخص
٪۴۱/۱	مرد	جنسیت
٪۵۸/۹	زن	
٪۲۰/۷	۲۰-۲۵ سال	سن
٪۲۹/۸	۲۵-۳۰ سال	
٪۳۱/۳	۳۰-۳۵ سال	
٪۱۸/۲	۳۵ سال به بالا	
٪۷/۴	کاردانی	مدرک تحصیلی
٪۴۳/۶	کارشناسی	
٪۳۸/۴	کارشناسی ارشد	
٪۱۰/۶	دکتری	
٪۷۲/۹	اهل تشیع	مذهب
٪۲۰	اهل سنت	
٪۷/۱	اهل حق	

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۰۷

جدول ۷. توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ نمونه آماری به مؤلفه‌های پرسش‌نامه

مؤلفه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بدون نظر	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین
۱. تضعیف هویت ملی	۱۲/۶	۱۷/۷	۲۹/۸	۲۰/۴	۱۹/۵	۲/۸۳
۲. جریان‌سازی سیاسی	۲۱/۹	۳۳/۵	۲۷/۶	۱۴/۸	۲/۲	۲/۱۴
۳. تضعیف حس تعلق شهروندی	۲/۵	۱۲/۱	۳۴/۰	۳۸/۲	۱۳/۳	۳/۱۰
۴. تضعیف اعتماد نهادی	۳/۰	۴/۲	۱۴/۸	۳۰/۸	۴۷/۳	۳/۸۰
۵. تبعیض قومی	۳/۹	۹/۴	۳۲/۸	۳۱/۳	۲۲/۷	۳/۳۱
۶. احساس تبعیض	۳/۷	۳/۰	۹/۹	۲۶/۱	۵۷/۴	۴/۰۴
۷. انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت	۲/۵	۲/۷	۱۰/۸	۴۵/۳	۳۸/۷	۳/۸۵

در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق در رتبه‌بندی ابعاد یا مؤلفه‌های مورد بررسی، به ترتیب وضعیت به این قرار است: «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت» ۸۴ درصد، «احساس تبعیض» ۸۳/۵ درصد، «تضعیف اعتماد نهادی» ۷۸/۱، «تبعیض قومی» ۵۴ درصد، «تضعیف حس تعلق شهروندی» ۵۱/۵، «تضعیف هویت ملی» ۳۹/۹ و «جریان‌سازی سیاسی» ۱۷ درصد.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ نمونه آماری به مؤلفه‌های پرسش‌نامه براساس جنسیت

مؤلفه‌ها	کاملاً مخالفم		مخالفم		بدون نظر		موافقم		کاملاً موافقم		میانگین
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
تضعیف هویت ملی	۱۲/۰	۱۳/۰	۱۷/۶	۱۸/۰	۲۹/۷	۲۹/۹	۱۶/۲	۲۳/۴	۲۴/۰	۱۶/۳	۲/۸۹
جریان‌سازی سیاسی	۱۰/۲	۳۰/۱	۳۴/۷	۳۱/۷	۲۴/۳	۳۲/۳	۲۴/۳	۲۱/۰	۱۰/۵	۴/۸	۲/۹۱
تضعیف حس تعلق شهروندی	۳/۰	۲/۱	۱۴/۲	۹/۰	۳۲/۹	۳۴/۷	۳۷/۷	۳۸/۹	۳۷/۲	۱۶/۲	۳/۰۵
تضعیف اعتماد نهادی	۳/۰	۲/۹	۵/۹	۱/۸	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۶/۳	۲۸/۱	۳۲/۶	۵۴/۵	۳/۸۲
تبعیض قومی	۴/۸	۳/۳	۹/۶	۹/۰	۲۹/۳	۳۵/۱	۲۶/۹	۳۴/۳	۲۹/۹	۱۷/۶	۳/۱۳
احساس تبعیض	۳/۶	۳/۸	۲/۵	۳/۶	۷/۲	۱۱/۷	۲۶/۳	۲۵/۹	۵۹/۳	۵۶/۱	۴/۰۲
انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت	۳/۰	۲/۱	۲/۴	۲/۹	۹/۰	۱۲/۱	۳۹/۵	۴۹/۴	۴۶/۱	۳۳/۵	۳/۷۸

در طیف کاملاً موافق و در تمامی مؤلفه‌ها مردان درصد بالاتری را شامل می‌شوند، این

به آن معنا است که مردان تمایل بیشتری به روش‌های نامتعارف کسب ثروت، مهاجرت خارجی، خودتخریبی، جریان‌سازی سیاسی، تضعیف حس تعلق شهروندی، تضعیف اعتماد نهادی، تبعیض قومی و... دارند. در این مؤلفه‌ها و در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق، وضعیت مردان و زنان به صورت زیر است: «جریان‌سازی سیاسی»، مردان ۲۵/۸ درصد و زنان ۱۰/۹ درصد، «تضعیف هویت ملی»، مردان ۴۰/۲ درصد و زنان ۳۹/۷ درصد، «تضعیف اعتماد نهادی»، مردان ۵۵/۱ درصد و زنان ۴۹ درصد، «تضعیف اعتماد نهادی»، مردان ۸۲/۶ درصد و زنان ۷۴/۹ درصد، «تبعیض قومی»، مردان ۵۶/۸ درصد و زنان ۵۱/۹ درصد، «احساس تبعیض»، مردان ۸۵/۶ درصد و زنان ۸۲ درصد، «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، مردان ۸۶/۱ درصد و زنان ۸۲/۹ درصد؛ همچنین مقایسه میانگین مردان و زنان حکایت از آن دارد که در مؤلفه‌های مورد بررسی، میانگین مردان بیشتر از میانگین زنان است. همان‌طور که در جدول بالا نیز قابل مشاهده است، مردان و زنان در مؤلفه‌های هفت‌گانه این آمار را به ثبت رسانیده‌اند: «جریان‌سازی سیاسی»، مردان ۲/۴۸ و زنان ۱/۹۱، «تضعیف هویت ملی»، مردان ۲/۸۹ و زنان ۲/۷۹، «تضعیف حس تعلق شهروندی»، مردان ۳/۱۹ و زنان ۳/۰۵، «تضعیف اعتماد نهادی»، مردان ۳/۹۲ و زنان ۳/۷۲، «تبعیض قومی»، مردان ۳/۴۲ و زنان ۳/۲۳، «احساس تبعیض»، مردان ۴/۰۷ و زنان ۴/۰۲، «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، مردان ۳/۹۴ و زنان ۳/۷۸.

جدول ۹. توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ نمونه آماری به مؤلفه‌های پرسش‌نامه براساس مذهب

مؤلفه‌ها	کاملاً مخالفم			مخالفم			بدون نظر		
	اهل حق	شیعه	سنی	اهل حق	شیعه	سنی	اهل حق	شیعه	سنی
تضعیف هویت ملی	-	۲/۵	۱۶/۶	۲۰/۳	۱۱/۱	۱۰/۳	۲۹/۷	۲۷/۲	۳۷/۹
جریان‌سازی سیاسی	۶/۹	۱۹/۸	۲۴/۰	۳۵/۸	۲۷/۲	۲۷/۶	۲۷/۷	۲۵/۹	۳۱/۰
تضعیف حس تعلق شهروندی	-	-	۳/۴	۱۵/۹	۱/۲	۳/۴	۳۴/۸	۳۲/۱	۳۱/۰
تضعیف اعتماد نهادی	-	-	۴/۱	۴/۴	۳/۷	۳/۴	۱۶/۶	۱۱/۱	۶/۹
تبعیض قومی	-	-	۵/۴	۱۱/۸	۳/۷	-	۳۸/۲	۲۱/۰	۱۰/۳
احساس تبعیض	-	۱/۲	۵/۱	۳/۴	۳/۷	۳/۴	۱۲/۲	۲۸/۴	۳/۴
انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت	-	-	۳/۴	۳/۰	۱/۲	۳/۴	۱۱/۵	۱۱/۱	۳/۴

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۰۹

ادامه جدول ۹.

مؤلفه‌ها	موافقم			کاملاً موافقم			میانگین	
	شیعه	سنی	اهل حق	شیعه	سنی	اهل حق	سنی	اهل حق
تضعیف هویت ملی	۱۹/۳	۲۲/۲	۲۷/۶	۱۴/۲	۳۷/۰	۲۴/۱	۳/۲۲	۳/۳۹
جریان‌سازی سیاسی	۱۱/۱	۲۲/۲	۳۱/۰	۱/۴	۴/۹	۳/۴	۲/۴۸	۲/۴۰
تضعیف حس تعلق شهروندی	۳۴/۱	۵۰/۶	۴۴/۸	۱۱/۸	۱۶/۰	۲۰/۷	۳/۴۴	۳/۴۳
تضعیف اعتماد نهادی	۳۳/۴	۲۴/۷	۲۰/۷	۴۱/۶	۶۰/۵	۶۹/۰	۴/۳۴	۴/۱۰
تبعیض قومی	۲۹/۱	۴۰/۷	۲۷/۶	۱۵/۵	۳۴/۶	۶۲/۱	۴/۲۵	۳/۸۰
احساس تبعیض	۲۶/۴	۲۸/۴	۱۷/۲	۵۳/۰	۶۶/۷	۷۵/۹	۴/۳۷	۴/۳۰
انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت	۴۵/۹	۴۴/۴	۴۱/۴	۳۶/۱	۴۳/۲	۵۱/۷	۴/۱۲	۴/۰۰

در مجموع دو طیف کاملاً موافق و موافق، در مؤلفه «تضعیف هویت ملی»، جمعیت اهل سنت ۵۹/۹ درصد و جمعیت اهل حق ۵۱/۷ درصد، مؤلفه «جریان‌سازی سیاسی»، اهل حق ۳۴/۴ درصد و اهل سنت با ۲۷/۱، مؤلفه «تضعیف حس تعلق شهروندی»، اهل سنت ۶۶/۶ درصد، اهل حق ۶۵/۵، مؤلفه «تضعیف اعتماد نهادی»، اهل حق ۸۹/۷ و اهل سنت ۸۵/۲ درصد، مؤلفه «تبعیض قومی»، اهل حق ۸۹/۷ و اهل سنت ۷۵/۳، مؤلفه «احساس تبعیض»، اهل سنت با ۹۵/۱ و اهل حق ۹۳/۱ درصد و در نهایت در مؤلفه «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، جمعیت اهل حق ۹۳/۱ و اهل سنت با ۸۷/۶ درصد قرار می‌گیرند. همچنین در بررسی میانگین مؤلفه‌های مختلف یک نکته برجسته قابل تشخیص خواهد بود؛ جمعیت اهل حق نسبت به اهل سنت و جمعیت اهل سنت نسبت به اهل تشیع میانگین بالاتری را در این مؤلفه‌ها به ثبت رسانیده‌اند.

جدول ۱۰. توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ نمونه آماری به مؤلفه‌های پرسش‌نامه براساس مدرک تحصیلی

مؤلفه‌ها	کاملاً مخالفم			مخالفم			بدون نظر		
	کلردانی	کارشناسی	ارشد	کارشناسی	ارشد	کلردانی	کارشناسی	ارشد	
تضعیف هویت ملی	۳۰/۰	۱۴/۱	۹/۰	۱۶۷	۱۷/۵	۱۷/۳	۲۰/۹	۲۶/۷	
جریان‌سازی سیاسی	۱۶/۷	۲۶/۰	۱۹/۹	۴۶۷	۳۱/۶	۳۵/۹	۲۳/۳	۲۳/۳	
تضعیف حس شهروندی	۳/۳	۲/۸	۱/۳	۴/۷	۲۰/۰	۱۴/۱	۹/۳	۳۱/۴	

ادامه جدول ۱۰.

مؤلفه‌ها	کاملاً مخالفم			مخالفم			بدون نظر		
	کارشناسی	ارشد	دکتری	کارشناسی	ارشد	دکتری	کارشناسی	ارشد	دکتری
تضعیف اعتماد نهادی	۳/۴	۱/۹	۴/۷	۵/۶	۱/۳	۴/۷	۲۳/۳	۱۳/۰	۱۷/۹
تبعیض قومی	۵/۱	۱/۹	۴/۷	۷/۹	۹/۰	۹/۳	۳۶/۷	۳۳/۹	۳۲/۷
احساس تبعیض	۵/۶	۱/۳	۴/۷	۴/۰	۰/۶	۲/۳	۲۰/۰	۷/۹	۱۰/۹
انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار	-	۴/۵	۰/۶	۲/۳	۱/۹	۲/۳	۲۶/۷	۱۱/۹	۷/۱
مؤلفه‌ها	موافقم			کاملاً موافقم			میانگین		
	کارشناسی	ارشد	دکتری	کارشناسی	ارشد	دکتری	کارشناسی	ارشد	دکتری
تضعیف هویت ملی	۲۰/۹	۱۷/۹	۳۰/۲	۱۸/۱	۲۳/۱	۱۸/۶	۲۳/۶	۲/۷۷	۲/۹۴
جریان‌سازی سیاسی	۹/۶	۱۵/۴	۳۷/۲	۳/۳	۱/۹	۲/۳	۱/۹۸	۲/۰۵	۲/۱۶
تضعیف حس شهروندی	۳۳/۳	۴۲/۹	۴۸/۸	۶/۷	۱۴/۷	۱۵/۴	۲/۸۰	۳/۰۶	۳/۲۲
تضعیف اعتماد نهادی	۳۱/۶	۳۱/۴	۲۵/۶	۳۳/۳	۴۷/۴	۶۰/۵	۳/۴۳	۳/۷۶	۳/۸۶
تبعیض قومی	۳۰/۵	۳۲/۷	۳۰/۲	۶/۷	۲۲/۶	۲۳/۷	۲/۸۳	۳/۳۲	۳/۳۵
احساس تبعیض	۲۹/۴	۲۶/۹	۱۶/۳	۵۰/۰	۵۳/۱	۶۰/۳	۳/۶۷	۳/۹۱	۴/۱۹
انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار	۵۰/۸	۴۸/۱	۲۵/۶	۳۶/۷	۳۰/۵	۴۲/۳	۶۰/۵	۳/۶۹	۳/۹۹

برآورد نتایج پرسش‌نامه در بین مؤلفه‌های گوناگون براساس متغیر جمعیت‌شناختی «مدرک تحصیلی»، نشان‌دهنده یک واقعیت تکان‌دهنده است؛ در مجموع دو طیف کاملاً موافق و موافق، دارندگان مدرک تحصیلی دکتری در مؤلفه‌های «جریان‌سازی سیاسی» ۳۹/۵، «تضعیف هویت ملی» ۴۸/۸، «تضعیف اعتماد نهادی» ۸۶/۱، «تبعیض قومی» ۶۰/۴

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۱۱

درصد، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین فارغ‌التحصیلان کارشناسی‌ارشد در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق در مؤلفه‌های «تضعیف حس تعلق شهروندی»، «احساس تبعیض»، «۵۸/۳» و «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت»، «۹۰/۴» بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین میانگین مؤلفه‌ها نشان از آن دارد که افراد با مدرک تحصیلی ارشد و دکتری، میانگین بالاتری را نسبت به افراد با مدرک تحصیلی کاردانی و کارشناسی ثبت نموده‌اند.

## ۷. فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی استان کرمانشاه در قالب رویکرد

### حفره‌های دولت

#### ۱-۷. ضعف در نظارت

حکومت همواره بایستی نظارت خود را بر شهروندان حفظ نماید، این نظارت دائمی و گسترده تنها شامل مسائل امنیتی نخواهد بود، بلکه حکومت باید نیازهای شهروند خود را نیز بشناسد. در علم سیاست‌گذاری ما از مفهوم نیازسنجی، بهره می‌بریم، یعنی حکومت باید نیازهای شهروندان را بشناسد و در جهت رفع یا تخفیف آن گام بردارد، اگر چنین نشود شهروندان خود را دچار محرومیت‌های مختلف خواهند دید. عدم توجه به شهروندان ساکن در این قلمرو تبعات بسیاری را به همراه خواهد داشت؛ در مؤلفه «جریان‌سازی سیاسی» در مجموع دو طیف کاملاً موافق و موافق، جمعیت اهل حق با ۳۴/۴ و اهل سنت با ۲۷/۱ قرار می‌گیرند. این در حالی است که نظر مساعد نسبت به طیف بدون نظر، در میان اهل حق ۳۷/۹ و در میان اهل سنت ۲۷/۲ است، یعنی جمعیت سرگردانی که نیازمند یک محرک جدی برای موافقت و یا مخالفت نسبت به جریان‌سازی سیاسی است. زمانی که حکومت مؤثر بودن خود را از دست دهد علاقه شهروند به سیستم سیاسی و کشورش کم‌رنگ خواهد شد. در همین راستا در مؤلفه «تضعیف هویت ملی»، جمعیت اهل سنت با اعتقاد ۳۷ درصدی به طیف کاملاً موافق و ۲۲/۲ به طیف موافق بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن‌ها جمعیت اهل حق با نظر مساعد ۲۴/۱ به طیف کاملاً موافق و ۲۷/۶ به طیف موافق بیشترین آمار را دارند. این در حالی است که جمعیت اهل تشیع با نظر مساعد



۱۴/۲ به طیف کاملاً موافق کمترین درصد را به خود اختصاص داده است.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: مرکز به صورت ناخودآگاه، حاشیه را به فراموشی سپرده است.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: به سبب دوری از مرکز، همواره نگاه گریز از مرکز به این منطقه وجود داشته و دارد.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: شاید در مناطق اورامانات احساس می‌کنند دولت آن‌ها را رها کرده و احساس تبعیض می‌کنند.

قرار گرفتن کرمانشاه در مرز تنها شامل وجه امنیتی مرز نمی‌شود بلکه دوری و نزدیکی از مرکز خود مؤلفه‌ای تأثیرگذار در شدت و حدت نظارت خواهد بود. باید بپذیریم که از ابتدای تاریخ، فرد، خانواده، قوم، قبیله، شهر، ایالت و کشور، همواره در پی چینش خطوط اطراف خود بوده تا بتواند حاکمیت خود را بر آن مستقر سازد. گستره‌ای که حکومت قصد دارد اقتدار خود را بر آن بگستراند در واقع فضای اعمال حاکمیت است و این بخشی از طبیعت هر حکومتی است که نواحی مرزی و دور از مرکز، ضمن اینکه دارای ویژگی‌های مرکزگرای هستند، به صورت معمول چندان قاعده‌مند عمل نمی‌کنند. اگر ماهیت حکومت طراحی فضای مورد علاقه خود است، شهروند نیز فضای مناسب خود را می‌پسندد. در واقع به همان نسبت که از مرکز دورتر می‌شویم، نظارت نیز کاسته می‌شود. دوری و نزدیکی می‌تواند عاملی باشد برای محرومیت، برای گسست و برای عدم نظارت کافی حتی در عصر جهانی، اما در اینجا تنها نظارت به دوری و نزدیکی مربوط نخواهد شد، بلکه نظارت به معنای رصد کامل نیازهای فارغ‌التحصیلان است و این به آن معنا است که از مصادیق فیزیکی مکان فاصله گرفته و فضای نیازهای فارغ‌التحصیلان رصد شود.

دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران و ناامن، تأثیر مستقیمی بر امنیت فضاهای جغرافیایی دارد. به عبارت دیگر، میزان فاصله و مسافت نسبت به منابع بحران‌ساز امنیتی، نقش مستقیمی بر امنیت مناطق اکولوژیک و سیاسی دارد (ویسی، ۱۳۹۵: ۱۷۳). به لحاظ فیزیکی نیز همین ضعف در نظارت در مسئله فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی نیز جاری خواهد بود، مضافاً اینکه قشر تحصیل‌کرده توانایی بیشتری برای پنهان ماندن از مسیر رصدخانه‌های حکومتی را دارد.

## ۷-۲. شکاف میان فقیر و غنی

در یکی از گویه‌ها عنوان شده بود: «در برابر افراد برخوردار و دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، آستانه تحمل من پایین آمده است» که از تعداد ۴۰۶ نفر پاسخگو، ۱۲/۳ درصد کاملاً موافق و ۲۴/۱ موافق بودند که مجموعاً عدد ۳۶/۴ درصد را نشان می‌دهد که عدد قابل توجهی است. در واقع فارغ‌التحصیلان به لحاظ وضعیت مالی احساس سرخوردگی و محرومیت دارند، طیف کاملاً موافق به مؤلفه «انباشت فارغ‌التحصیلان بیکار و تشدید احساس مشترک محرومیت» در جمعیت اهل حق ۵۱/۷ درصد، اهل سنت ۴۳/۲ و اهل تشیع ۳۶/۱ درصد سنجش شد. همچنین طیف موافق در اهل حق ۴۱/۴، اهل سنت ۴۴/۴ و اهل تشیع ۴۵/۹ است. مجموع این دو طیف در جمعیت اهل حق ۹۳/۱، اهل سنت ۸۷/۶ و اهل تشیع ۸۲ درصد است. این در حالی است که طیف کاملاً مخالف در دو جمعیت اهل حق و اهل سنت در این مؤلفه عدد صفر را نشان می‌دهد.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: فارغ‌التحصیل انسان آگاهی است که متوجه تفاوت وضعیت خود با سایرین هست.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: این‌ها (فارغ‌التحصیلان بیکار) سرخورده هستند با مطالبات معوق بسیار که باعث می‌شود در مرحله نازل اجتماع قرار بگیرند.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: حق دارند مطالبه‌گر باشند، می‌گویند من لیسانس، فوق‌لیسانس یا دکتری، چه تفاوتی دارم که کمتر باید برخوردار باشم.

ذهنیت فارغ‌التحصیل دانشگاهی، سرشار از محرومیت است. در استان کرمانشاه بار این محرومیت با توجه به عدم وجود صنایع سنگین و بیکاری گسترده جمعیت جوان چند برابر می‌شود. در جامعه‌شناسی ما با رویکردی مواجه هستیم که آن را «پرخاشگری ناشی از محرومیت» می‌نامیم. این محرومیت همواره بر محدودیت در مسکن، ماشین، درآمد و یا گرسنگی خلاصه نمی‌شود. بخش عظیمی از فشارهای ناشی از محرومیت را فشار روانی به دوش می‌کشد. تصور ما از آنچه فقر نامیده می‌شود برگرفته از عینیتی است که همه‌روزه در جای‌جای محل زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شویم. در واقع مسئله از دارا بودن یا نبودن، به

فشار ذهنی مضاعف و مداومی تغییر شکل خواهد داد که تفکر را در خود گرفتار می‌سازد. در روان‌شناسی افراد می‌دانیم که آنچه به دنبال آن می‌رویم پوشش‌دهنده اخلاق ما و همچنین تلاش‌های ما و تفکر ما است. در کنار این نگاه فردی، ما در جامعه‌ای زیست داریم که مفهوم محرومیت را تولید و بازتولید می‌کند. سالیان پیش یک تلویزیون می‌توانست یک دارایی مورد توجه قلمداد گردد، حال آنکه امروزه حقیقت بازتولید شده از دارایی در مقیاس وسیع‌تری مطرح می‌گردد و دیگر به یک تلویزیون ختم نمی‌شود. می‌توان این‌گونه عنوان کرد که افزون بر گوش شهروندان، مغز آنان نیز با اعداد بزرگ عجین شده است. آن‌ها اعداد بزرگ‌تری دارند تا ما!

ادواردز معتقد بود تمامی انقلاب‌هایی که به منصفه ظهور رسیده‌اند به دلیل سرکوب خواسته‌های بنیادین بوده و خشونت موجود در انقلاب‌ها رابطه مستقیمی دارد با آن میزان از سرکوب که در حکومت قبلی اعمال می‌شده است. این احساس سرکوب از آنجا ناشی می‌شود که مردم عقاید و خواسته‌های مشروع خود را با مانع روبه‌رو می‌بینند. جورج پتی<sup>۱</sup> نیز معتقد است که انقلاب بر اثر «تنگنا» شکل می‌گیرد؛ یعنی مردم احساس می‌کنند در تنگنا قرار دارند. تنگنایی که می‌تواند آزادی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... آن‌ها را تحت فشار خود قرار دهد (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

مویر به درستی اشاره می‌کند که: «در زمان رکود اقتصادی، طبقات پایین که از بعد اقتصادی و فرهنگی، حاشیه‌ای هستند، ممکن است برای به راه انداختن جنبش‌های توده‌ای بسیج شوند» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

مویر به مانند تیلور معتقد است که حکومت‌ها ماشین‌های رشد هستند و سوخت این ماشین در دل نظام جهانی قرار دارد که خود مبتنی بر توسعه اقتصادی است. اگر کارایی این ماشین معیوب و دست‌خوش مشکلات شود، آن زمان دیگر اعمال اقتدار دولت در سطح جامعه بی‌معنا خواهد بود. در واقع پیغام مردم به حکومت‌ها ساده و روشن خواهد بود: من مادامی به اقتدار تو تن در می‌دهم که من را در مسیر توسعه سوق دهی؛ اما همان‌طور که تیلور می‌گوید: «سرانجام حکومت محکوم به فنا است، زیرا ساختار کلی نظام جهانی بر پایه

---

1. George S. Pettee

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۱۵

توسعه اقتصادی استوار است که در نهایت بی‌ثبات است» (مویر، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

### ۷-۳. خلق دوگانه‌ها و شکل‌گیری مرزبندی اجتماعی

در مؤلفه «احساس تبعیض» در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق به ترتیب، شهرستان‌های صحنه، پاوه، قصر شیرین و روانسر با ۱۰۰ درصد، جوانرود ۹۷ و اسلام‌آباد ۹۶/۵ درصد قرار دارند. نکته مهم در این مؤلفه، افزون بر وجود چهار شهرستان با آمار موافقت ۱۰۰ درصدی، عدم وجود مخالف در شهرستان‌های ثلاث باباجانی و کنگاور است. در یکی از گویه‌ها، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده که نظر خود را در رابطه با این گزاره اعلام کنند: «تبعیض قومی و مذهبی از جمله عوامل اصلی ایجاد شرایط نابرابر در فرایند شغل‌یابی و استخدام است» که ۲۷/۶ درصد کاملاً موافق، ۲۸/۶ درصد موافق این مسئله بودند و ۲۲/۲ درصد دیگر نیز بدون نظر بودند. همچنین در گویه دیگری عنوان شده بود: «نظام گزینشی سخت‌گیرانه در خصوص اقلیت‌های قومی و مذهبی، از دلایل اصلی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به شمار می‌رود» که از تعداد ۴۰۶ نفر پاسخگو، ۲۲/۲ درصد کاملاً موافق، ۲۵/۴ موافق بودند و ۲۲/۷ درصد نیز بدون نظر بودند. در یکی از گویه‌ها عنوان شده بود: «احساس می‌کنم از پایگاه اجتماعی برخوردار نیستم» که از تعداد ۴۰۶ نفر پاسخگو، ۲۱/۲ درصد کاملاً موافق و ۲۹/۱ درصد موافق بودند. در مؤلفه «تضعیف هویت ملی» در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق به ترتیب، شهرستان اسلام‌آباد با ۶۲ درصد، پاوه و ثلاث ۶۰، دالاهو ۵۸/۳ و روانسر با ۵۴/۶ درصد قرار دارند.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: مردم سنی استان، غلط یا درست با خودشان فکر می‌کنند که ما چند مدیر اهل سنت در استان داریم؟

- پاسخ مصاحبه‌شونده: اگر سیستم نگاه ایدئولوژیک داشته باشد ناخودآگاه گزینش‌گر می‌شود.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: ما بحثی داریم تحت عنوان «احساس مشتری». جوانرودی‌ها به لحاظ مالی وضعیت بهتری از هرسینی‌ها دارند اما ناراضی‌ترند. احساس و ذهنیت مهم است.

استان کرمانشاه به لحاظ ترکیب قومی و مذهبی، استانی با تنوع بالا محسوب می‌شود. به لحاظ قومیت، کردها در اکثریت قرار دارند اما خود قوم کرد در استان کرمانشاه به چندین طایفه تقسیم می‌شود: کرد کلهر، گوران، سنجابی، لک، جافی، اورامی و... به لحاظ مذهبی هم اهل تشیع و اهل تسنن از اکثریت برخوردارند و از طرف دیگر حضور اقلیت مذهب یارسانی یا اهل حق. اگر شهروند فارغ‌التحصیل دانشگاهی، محرومیت خود را ناشی از قومیت یا مذهب خود بداند و خود را غیر فرض نماید، حس تعلق به کشور رنگ می‌بازد. اندیشه انتقادی باور راسخی به مسئله غیریت‌سازی دارد. به زبان ساده «غیر» دیوار میان خود و دیگری است که در بسیاری از موارد تحت لوای قانون نیز قرار دارد. پنداشت از غیر از یک‌طرف و تصور حمایت قانونی از غیریت‌سازی پیوسته ذهنیت شهروند را با تهدید و ناامنی مواجه می‌سازد.

اگر بپذیریم که امنیت، به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های حیاتی است، پس چه ارزشی بالاتر از امنیت روانی؟ مویر در اندیشه خود به دوگانه‌ها اشاره دارد و این دوگانه‌ها یعنی حصار و همه ما نیک می‌دانیم که بشر از حصار بیزار است: شکاف میان شهر و حومه روستایی آن و حصارکشی میان الیت تحصیل‌کرده و مرفه و اکثریتی محروم (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۱۹۰). جای آن است که به اندیشه خود مویر رجوع کنیم: «فضای درونی کشور، یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ سطح و ماهیت توسعه و فرصت اقتصادی، از لحاظ تفاوت‌هایی که طبیعتی فرهنگی و تاریخی دارند؛ از حیث تنوع در سلیقه‌ها و آرمان‌های سیاسی جمعیت و نگرش آن‌ها نسبت به حکومت و نیز از لحاظ نابرابری‌ها در میزانی که دولت می‌تواند اراده خود را بر قلمرو متبوع خود تحمیل کند، فرق می‌کنند».

(مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۲-۱۹۶).

میان الیت و عوام تفاوت محسوسی وجود دارد. بدون شک نباید انتظار مساوات کامل را میان شهروندان در تمام هستی داشت و این بدان معنا است که یک تفاوت طبقاتی در نوع نگاه اکثریت به وجود خواهد آمد: «تمام نیروهایی که شکاف‌های اقتصادی را میان طبقات جامعه عریض‌تر می‌کنند، احتمالاً افراد جامعه را تشویق می‌کنند تا جهان را به صورت طبقاتی تلقی کنند تا اینکه خود را بخشی از یک جامعه ملی همگون محسوب نمایند».

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۱۷  
بدیهی است که در چنین شرایطی حکومت مورد تهدید واقع شده ولی در اکثر نقاط جهان هنوز نمرده است.» (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۲-۱۹۱).

#### ۷-۴. احساس شهروندی واقعی

شهروند قرن بیست و یکم خود را در فضای موجود تعریف می‌کند و همچنان که به آن فضا هویت می‌بخشد، از آن فضا، کسب هویت می‌نماید؛ بنابراین این مسئله مهم است که شهروند به فضا احساس تعلق نماید. در مؤلفه تضعیف «حس تعلق شهروندی»، جمعیت اهل سنت با مجموع نظر مساعد نسبت به دو طیف کاملاً موافق و موافق و با درصد ۶۶/۶، اهل حق با ۶۵/۵ و اهل تشیع با ۴۵/۹ قرار دارند. این در حالی است که طیف کاملاً مخالف در دو جمعیت اهل حق و اهل سنت در این مؤلفه عدد صفر را نشان می‌دهد. گسست در این پیوند عاطفی - روانی میان فضا و شهروند برای هر منطقه‌ای یک تهدید است، علی‌الخصوص در مرزهایی با تنوع قومی و مذهبی. در مؤلفه «تضعیف حس تعلق شهروندی» در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق به ترتیب، شهرستان اسلام‌آباد با ۷۵/۹ درصد، سرپل ذهاب ۷۴/۱، دالاهو ۶۶/۶ و پاوه با ۶۴ درصد قرار دارند، نکته قابل توجه در این زمینه عدم وجود مخالف در شهرستان پاوه است. در گویه‌ای از پاسخ‌دهندگان خواسته شده که نظر خود را در رابطه با این گزاره اعلام کنند: «در مناسبات اجتماعی همچون راهپیمایی‌ها و انتخابات حضور کم‌رنگی دارم» که ۳۴/۲ درصد کاملاً موافق، ۲۲/۷ درصد موافق این مسئله بودند و ۱۸/۲ درصد دیگر نیز بدون نظر بودند، عدم حضور شهروند در مراسمی که نماد مشروعیت سیاسی است به معنای کم‌رنگ شدن مشروعیت است و بی‌شک زیر سؤال رفتن مشروعیت به معنای تهدیدی برای سیستم سیاسی است.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: احساس در حاشیه بودن در سطوح نخبگان بازخورد شدیدتری دارد.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: کسی که مدرک فوق‌لیسانس روابط بین‌الملل یا دکتری علوم سیاسی یا روابط بین‌الملل دارد، فهم آکادمیک از جامعه سیاسی قاعده‌مند دارد که یک حکومت‌داری موفق چیست؟

- پاسخ مصاحبه‌شونده: به لحاظ فرهنگی و سیاسی هم این نزدیکی مرزی می‌تواند فارغ‌التحصیل ما را با فرهنگ آن طرف مرز آشنا سازد که خوشایند حکومت نیست و باعث از بین رفتن غلقه‌های فرد به کشور می‌شود.

همان‌طور که مویر معتقد است: «مراکز را می‌توان حداقل به‌عنوان مکان‌های ممتاز در یک سرزمین تعریف کرد. مراکز نقاط تلاقی بیشتر مردم صاحب‌نفوذ، مکان برگزاری جشن‌های ملی و محل‌هایی هستند که بناهای یادبود نمادین و ملی در آن‌ها برپا شده و نهادهای مهم نظامی، اقتصادی و فرهنگی دولت را در خود جای داده‌اند. برخی کشورها تمام این خصوصیات را در یک مرکز واحد متمرکز کرده‌اند، اما در کشورهای دیگر چندین مرکز وجود دارد که هرکدام دارای گروه الیت مخصوص به خود است» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۱۰).

شهروند فارغ‌التحصیل دانشگاهی در استان کرمانشاه، از فضای پیش‌فرض‌ها گرفته تا احتیاجات مادی، اگر این فضا را ناامن قلمداد نماید و هستی خود را در معرض تهدید ببیند، آنگاه پیوندش را با محیط اطراف از دست خواهد داد. اگر شما خود را در فضای کردستان عراق در محاصره یک کشور عربی در نظر بگیرید، آنگاه برای شما خوشایند نخواهد بود که خود را شهروند عراقی بدانید. شهروند در فضای محدود و وسیع می‌بایست خود را «شهروند متعلق» تعریف نماید. حال آنکه در صورت از دست دادن حس شهروندی، یا خود را از شهر خود جدا می‌سازد و یا اینکه خود و شهر را از فضای بزرگ‌تر متمایز می‌سازد. پس با این پرسش روبه‌رو خواهیم بود که تا چه حدی احساس تعلق به فضا همچنان وجود دارد؟ در واقع اگر پیوند عاطفی، بار احساسی و حس وظیفه‌مندی ساکنان به مکان کم‌رنگ شود، ارتباط انسان و محیط زندگی‌اش قطع خواهد شد.

سرایت این احساس به افراد مختلف، نتیجه‌ای جز اپیدمی «گسست ملی» به بار نخواهد آورد. پس انباشت حس تعلق خواهد توانست به محل سکونت، بار شهروندی ببخشد و برعکس و این همان پرسشی است که در مباحث هویت مکان مطرح می‌شود: من به کجا تعلق دارم؟ این احساس تعلق را نباید با احساس ملی وطن‌پرستی یکی دانست، ما در اینجا با نوعی تعلق به فضا در تبادل بی‌پایان قرار داریم. ساحت ذهن با فضای برآمده از آن در

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۱۹

کش و قوس عاطفی به سر می‌برد و این جدای از ناسیونالیسم برآمده از جنگ است. محل زندگی چیزی فراتر از وطن است.

تکه‌ای خرد از وطن اما با ارزشی دوچندان، زیرا هویت شهروند و خانواده او پیوسته در این فضا کسب معنا و احساس می‌کند و همین امر است که برای یک شهروند اهل نیویورک، تغییرات حادث شده در نیویورک را برجسته‌تر می‌سازد تا تغییرات شکل گرفته در کالیفرنیا و یا آیا یک کوبایی که تابعیت ایالات متحده را کسب نموده است، دقیقاً تعلق هم‌سطح یک متولد آمریکا به آن کشور دارد؟ آنچه روزگاری در ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ نوعی از درگیری مذهبی بود، در واقع از این احساس روانی سرچشمه می‌گرفت که ما به‌عنوان یک انسان احتیاج به گرانیگاه ذهنی داریم. پس از این جنگ‌ها، حکومت‌ها تحت عنوان دولت ملی، سعی در برقراری حس تعهد به حکومت را داشتند که با انقلاب فرانسه تعلق به ملت و احساسات ملی، گرانیگاه جدید لقب گرفت؛ اما امروزه تعلقات بسیار کوچک‌تر شده است، ما در مکان‌های وسیع به دنبال تعلق خاطر نیستیم، بلکه آن را در شهر، محله، کوچه و یا خانه خویش جستجو می‌کنیم.

مویر اشاره‌ای به نظرات پیتر و فیلو<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) دارد که عنوان می‌دارند: «فضای محدود شهروندی به فضایی تبدیل می‌شود که نمی‌تواند کاملاً فراگیر باشد، زیرا برخی از مردم ساکن درون مرزهای ملی، دقیقاً مانند «مایی» که از مواد تاریخی، فرهنگی، قومی، زبانی و حتی مذهبی یکسانی درست شده‌ایم، ساخته نشده‌اند. روابط اجتماعی فرهنگی، جز ذاتی رابطه سیاسی میان شهروندی و فضا است، زیرا اینکه چه کسی در یک دولت شهر و یا یک کشور، شهروند واقعی شناخته می‌شود، به این بستگی دارد که آن فرد کوله‌بار درستی از تاریخ، فرهنگ، قومیت، زبان و مذهب در اختیار داشته باشد» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳۸-۲۳۷).

#### ۷-۵. عدم توانایی لازم در بدنه حکومت برای پاسخگویی

عدم پاسخ حکومت قطعاً تبعاتی را به همراه خواهد داشت و حتی موجب تبدیل فرد از شهروندی اجتماعی به شهروندی سیاسی است. در مؤلفه «جریان‌سازی سیاسی» در مجموع

---

1. Painter & Philo



دو طیف موافق و کاملاً موافق به ترتیب، شهرستان سرپل ذهاب با ۳۳/۳ درصد، اسلام‌آباد ۲۷/۶ و صحنه با ۲۷/۳ قرار دارند. مؤلفه «تضعیف اعتماد نهادی» یک شوک بزرگ برای مسئولین خواهد بود، چراکه در دو جمعیت اهل حق و اهل سنت طیف کاملاً مخالف عدد صفر را نشان می‌دهد. این در حالی است که طیف کاملاً موافق به مؤلفه تضعیف اعتماد نهادی در جمعیت اهل حق ۶۹ درصد، اهل سنت ۶۰/۵ و اهل تشیع ۴۱/۶ سنجش شد. همچنین طیف موافق در اهل حق ۲۰/۷، اهل سنت ۲۴/۷ و اهل تشیع ۳۴/۴ است. مجموع این دو طیف در جمعیت اهل حق ۸۹/۷، اهل سنت ۸۵/۲ و اهل تشیع ۷۶ درصد است.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: ما زمانی که به بیکاری جوان تحصیل‌کرده پاسخ ندهیم و به نیاز فارغ‌التحصیل پاسخ ندهیم، خود فارغ‌التحصیل به دنبال جواب پرسش خود و پاسخ نیازش می‌رود.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: وقتی فرد در اینجا جایگاهی ندارد و پاسخی به نیازش نیست، به دنبال تربیون می‌گردد و می‌رود به بی‌بی‌سی.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: مطالبه‌گری ضعیف از مرکز و عدم فراهم آوردن زیرساخت لازم از سوی دولت برای نیازهای این قشر را شاهدیم.

اگر فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاهی را فردی آشنا به وضعیت کشورهای مختلف فرض کنیم و در این راستا توقعات او را در نظر بگیریم، خواهیم دید که این فرد همچون تحصیل‌کرده‌های بسیاری دیگر از کشورهای جهان خواهان شغل مرتبط با تحصیلات خویش است. هر حکومتی در هر گوشه‌ای از کره زمین کارویژه خاص خود را دارد. از زمانی که شهروند قرارداد اجتماعی با حکومت بست که در ازای واگذاری اختیاراتی، امنیت را به دست آورد، حکومت دارای وظیفه شد. این وظیفه در طول تاریخ پیچیده‌تر شد و امروزه ما با یک مجموعه از وظایف روبه‌رو هستیم. حکومت هم‌زمان که حفظ جان شهروند را تضمین می‌نماید، می‌بایست امنیت اقتصادی، اجتماعی، روانی و... شهروندان خود را نیز تأمین نماید.

حکومت باید به نیازها پاسخگو باشد. مجموعه تقاضاها بایستی در سیستم سیاسی حل و فصل شود و عدم حل این مسائل موجب ناکارآمدی حکومت در نزد مردم است. مویر در

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۲۱

کتاب «جغرافیای سیاسی مدرن» معتقد است که: «موارد مختلف ناآرامی‌های سیاسی حاکی از آن است که انتظارات ناامیدکننده، بیش از سختی صریح و مداوم، ممکن است بی‌ثباتی شدید داخلی ایجاد کند. مطالبه‌گری آزاد، گواه حمایت گسترده از یک سیستم سیاسی است. در جهان کمونیست و در بسیاری از کشورهای ناپایدار جهان در حال توسعه، تقاضا به‌عنوان ابراز نارضایتی سیاسی و تهدیدی برای نظم مستقر تلقی می‌شود. تقاضا مطمئناً در اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد، گرچه در یک مرزبندی نامشخص، ساختاربندی شده است، اما به‌طور کلی مرزهای مقبولیت سیاسی شناخته شده است.» (Muir, 1975: 248-249).

#### ۶-۷. تنش قومی

اگر قومی‌هویت خود را در خطر ببیند و اگر احساس نماید چارچوب زندگی‌اش به‌واسطه قومیت آن تحت تأثیر است قطعاً واکنش نشان خواهد داد. در مؤلفه «تبعیض قومی»، جمعیت اهل حق با مجموع نظر مساعد نسبت به دو طیف کاملاً موافق و موافق و با درصد ۸۹/۷، اهل سنت با ۷۵/۳ و اهل تشیع با ۴۴/۶ قرار دارند. نکته قابل توجه در این مؤلفه درصد بالای نظر کاملاً موافق در جمعیت اهل حق ۶۲/۱ و اهل سنت ۳۴/۶ است. این در حالی است که طیف کاملاً مخالف در دو جمعیت اهل حق و اهل سنت در این مؤلفه عدد صفر را نشان می‌دهد. در یکی از گویه‌ها عنوان شده بود: «بی‌توجهی دولت به رفاه و مطالبات قوم من کاملاً عمدی است و غیر قابل تحمل» که از تعداد ۴۰۶ نفر پاسخگو، ۳۳/۵ درصد کاملاً موافق و ۱۷/۵ موافق بودند. پاسخ‌دهندگان به گویه دیگری که در آن از آن‌ها خواسته شده بود نظر خود را نسبت به: «در فرایند استخدام شرایط برابر برای همه اقوام و مذاهب وجود ندارد»، اعلام کنند، ۳۵/۲ کاملاً موافق و ۳۰/۵ درصد موافق بودند. در مؤلفه «تبعیض قومی» در مجموع دو طیف موافق و کاملاً موافق به‌ترتیب، شهرستان قصر شیرین با ۸۳/۴ درصد، دالاهو ۷۵ درصد و اسلام‌آباد با ۷۲/۳ قرار دارند.

- پاسخ مصاحبه‌شونده: بافت غالب استان (قوم) کرد است اما این نگاه وجود دارد که این‌ها یک گرایش گریز از مرکز دارند البته نه به‌اندازه کردستان (اما این دید در مورد کرمانشاه هم وجود دارد).

- پاسخ مصاحبه‌شونده: به واسطه مرزی بودن کرمانشاه امکان این هست که فارغ‌التحصیل آشفته بیکار ما جذب جریان‌های سیاسی یا گروهک‌های قومی و نژادی و مذهبی یا حتی سرویس‌های جاسوسی و جریانات افراطی بشود، این کرمانشاه مرز است و قطعاً خطرناک و این ظرفیت وجود دارد.

در اینجا با پنج پیش‌فرض اساسی روبه‌رو هستیم: اول: کلیت استان کرمانشاه از قوم کرد هستند؛ دوم: انسان مقایسه‌گر است و شرایط کشور خود را با کشورهای دیگر مقایسه می‌نماید؛ سوم: انسان مقایسه‌گر است و شرایط استان خود را با سایر استان‌ها می‌سنجد؛ چهارم: بخش کثیری از این انسان‌های مقایسه‌گر، از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی هستند؛ پنجم: با توجه به تفکرات این طبقه، باید گفت که توان «جریان‌سازی» در آن‌ها وجود دارد. اینکه فرد فارغ‌التحصیل ما در استان کرمانشاه جذب جریانات قومی شود و یا اینکه خود جریان‌سازی نماید امری محتمل به نظر می‌رسد. این گزاره زمانی به حقیقت نزدیک می‌شود که بدانیم در آن طرف مرز با کشور عراق همسایه هستیم و در کردستان، اربیل و دیالی چنین جریاناتی وجود دارد و این یعنی حداقل فاصله از یک رویکرد قوم‌گرای قوی. تنش قومی می‌تواند نظارت قدرت مرکزی را به حداقل برساند. نیروهای آزاد و رهای موجود در جامعه همواره به دنبال ترجمان خود از یک «من منفعل» به یک «من فعال» هستند و در همین راستا یکی از ریسمان‌هایی که معمولاً به آن چنگ زده می‌شود قومیت است. این در حالی است که همین ریسمان قومیت می‌تواند جای خود را به توسل به آسیب‌های اجتماعی و یا بزهکاری دهد، شبیه به آنچه از نظریه مرتن برداشت می‌کنیم.

فناوری‌های جدید نیز خود مولد یک ضد قدرت هستند. گسترش وسایل ارتباطی به راحتی می‌تواند خشونت ضد حکومتی را تقویت نماید. در جایی که تساهل، موجب تسهیل در دستیابی به اهداف نشود، بی‌شک، خشونت آلت‌رناتیو همیشگی است. همان‌طور که جان شرْت می‌گوید: «افرادی که توسط قوانین درهم شکسته شده‌اند هیچ امیدی جز قدرت ندارند. اگر قوانین دشمن آن‌ها باشند، آن‌ها با قوانین دشمن خواهند بود و کسانی که هیچ امیدی و چیزی برای از دست دادن ندارند همیشه خطرناک خواهند بود» (Short, 1993).

## نتیجه‌گیری

در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه و براساس شش مؤلفه موجود در اندیشه مویر، می‌توان این‌چنین اذعان داشت که نباید شهروند فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاهی در استان کرمانشاه احساس نماید که امنیت فقط مختص به حکومت‌کنندگان است و ذهنیت غیرگونه را در تفکرش پرورش دهد. فارغ‌التحصیل بیکار می‌بایست احساس نمایند که در سرنوشت جامعه خود شریک است. در واقع دولت فضا را باید به صورت مستمر رصد نماید و فضاهای خطرآفرین چون انباشت بیکاران را شناسایی و مشکلات را مرتفع سازد. معنای نظارت در ژئوپلیتیک انتقادی همین است و نه نگاه به خطوط مرزی. مروری بر ادبیات امنیت در ژئوپلیتیک انتقادی گویای این مهم است که تلفیقی از قدرت و گفتمان، خالق فضای نوینی خواهد شد. حکومت‌ها نه تنها مولد قدرت هستند؛ بلکه در جهت پیشینه‌سازی آن قدم برمی‌دارند.

این نگاه انتقادی قصد آن را دارد که بر ما روشن سازد برای پاره‌ای مشکلات می‌بایست به سراغ حکومت رفت. اینکه شهروندان تا چه حد حکومت را درگیر در مشکلات خود می‌دانند و اینکه نوع درگیری حکومت مثبت باشد یا منفی، می‌تواند واقعیتی ساخته جامعه باشد. لاکمن و برگر (Thomas Luckmann & Peter L. Berger) معتقد بودند که واقعیت یک ساخت اجتماعی است. این ساخته اجتماعی می‌تواند نقش سازنده یا مخرب را برای حکومت‌ها بازی کند. به زبان ساده‌تر شهروندان کدام را باور دارند؟ اینکه حکومت در پی رفع محدودیت‌های آنان و تلاش برای حل مشکل است یا اینکه خود باری بر دوش مردم خواهد بود؟

بنیان سیاسی هر کشوری باید بر رضایتمندی شهروندان استوار باشد. عدم رضایتمندی مساوی است با عدم مشروعیت؛ در واقع مشروعیت و امنیت دو روی یک سکه هستند و دستیابی به مشروعیت براساس احساس بی‌نیازی شهروندان شکل خواهد گرفت. از طرف دیگر می‌توان گفت که جامعه در استان کرمانشاه ضعیف شده است و مطالبه‌گری حرکتی فراموش شده است. نباید طبقه فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاهی، به سبب احساس محرومیت، حاشیه‌نشین می‌شد اما این‌چنین شد. اگر کشوری به دنبال حفظ و ارتقای امنیت خود در

سطوح گوناگون است باید شاکله امنیتش را به رضایتمندی جامعه گره زده باشد و چه گروهی مهم‌تر از الیت تحصیل‌کرده جوان و دارای قابلیت بالای علمی و عملی. در واقع می‌توان گفت عدم کارآمدی دولت با مشروعیت سیاسی در رابطه مستقیم است. نباید حکومت نسبت به شهروندان احساس بی‌نیازی کند؛ زیرا بی‌نیازی منجر به عدم اطاعت از طرف شهروندان خواهد شد. اطاعت خریدنی نیست بلکه با اعتماد و در طول زمان حاصل می‌شود. کژکارکردی سیستم اطاعت را به قهقرا خواهد سپرد. متأسفانه رضایت در کشورهای جهان سوم کالایی کمیاب است. شاید دولت سعی نماید با اعطای تسهیلات مقطعی، توجه و رضایت فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی را جلب نماید اما ارائه تسهیلات به این طبقه نقش مُسکن را دارد. اطاعت ناشی از تطمیع یک اطاعت موقتی است و امنیت حاصل از چنین اطاعتی بر هیچ بنیانی استوار نیست. وضعیت زمانی بغرنج‌تر خواهد شد که فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاهی به مخالفین خارجی متصل شود. نیرویی که دارای اطلاعات زیادی از کشور و محل زندگی خود است و دارای بار علمی بسیار که اکنون در خدمت گروه‌های معاند قرار گرفته است. عوامل متعددی در پیوند ژئوپلیتیک انتقادی و بیکاری فارغ‌التحصیلان تأثیرگذار است، از جمله: استانی با قومیت کرد و دارای جمعیت بالایی از اهل سنت، پتانسیل‌های منفی مرزهای کرمانشاه با عراق از قبیل، قاچاق اسلحه، حرکات گروه‌های افراط‌گرای اسلامی همچون داعش و همچنین فضای جنبش‌های قومی در کردستان عراق و زمانی که در چنین فضای آشفته‌ای نیروی سرگشته بیکار داشته باشیم، بی‌شک زنگ خطری خواهد بود برای سیستم حاکم، چراکه زمینه مساعدی برای جذب این نیروهای فاقد پایگاه اجتماعی وجود دارد. جوانانی که با تشدید نارضایتی پیوند خود با فرهنگ سیاسی حاکم را از دست خواهند داد.

## منابع

اتوتایل، ژناروید؛ دالی، سیمون؛ روتلج، پاول (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: وزارت امور خارجه.

احمدی‌پور، زهرا؛ بدیعی، مرجان (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک انتقادی»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ۶ (۴)،

- تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۲۵
- اعظمی، هادی و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «تحلیل عناصر تهدید سیاسی-امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۵ (۴)، ۶۳-۸۳.
- اکبری‌پور، صفدر (۱۳۸۲)، نگاهی به وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۶، فصلنامه کار و جامعه، ۱۲ (۴۸)، ۲۲-۲۷.
- بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۲)، «بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و بیکاری ساختاری»، فصلنامه علوم اجتماعی: دین و ارتباطات، ۱۰ (۲۰)، ۷-۳۶.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و رضایی، ناصر (۱۳۸۸)، «بررسی مفهومی و مصداقی حفره‌های دولت»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۹ (۱۲)، ۱۲۹-۱۴۶.
- حق‌شناس، سید علی؛ ازغندی، سید علیرضا و توسلی رکن‌آبادی، مجید (۱۳۹۸)، «نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی: استان کردستان»، فصلنامه علمی رهیافت، ۱۳ (۴۷)، ۱۷۰-۱۵۳.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دوازدهم، تهران: آگه.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.
- محمدی‌فر، یوسف (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی دلایل بیکاری دانش‌آموختگان استان کرمانشاه و ارائه راهکارهایی برای اشتغال‌پذیری آنان»، گزارش طرح پژوهشی کارگروه پژوهش، فناوری و نوآوری استان کرمانشاه.
- مختاری‌پور، مرضیه (۱۳۸۲)، تأثیر عوامل اقتصادی-آموزشی بر بیکاری و اشتغال تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی، فصلنامه کار و جامعه، ۸ (۴۸)، ۲۸-۳۹.
- ملائی، مریم؛ پروایی هره دشت، شیوا و رحیمی، کاظم (۱۳۹۶)، «توسعه تحصیلات عالی و بیکاری»، فصلنامه راهبرد، ۲۶ (۴۹)، ۲۰-۳۷.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: دره میرحیدر، سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «پارادوکس کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی»، فصلنامه اقتصاد: کار و جامعه، تهران، ۱۴ (۷۶)، ۴-۳۹.
- ویسی، هادی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۱ (۱)، ۱۶۹-۱۸۵.

## References

- Agnew, J. & Corbridge, S. (1995), *Mastering Space: Hegemony, Territory and International Political Economy*, This edition published in the Taylor & Francis e-Library, 2003, Available at: <http://www.untag-smd.ac.id>.
- Ahmadipour, Z. & Badiie, M. (2002), "Critical Geopolitic", *Journal of Human Sciences MODARES*, (6), 1-10 (In Persian).
- Akbaripour, S. (2003), "A look at the employment and unemployment situation in Iran during the years 1997-2002", *Journal of Work and Society*, (12), 22-27 (In Persian).
- Azami, H. & Dabiri, A. (2011), "Analysis of political-security threat elements in Iran's system of national divisions", *Journal of Human Sciences MODARES*, (15), 63-83 (In Persian).
- Biabani, J. (2003), "Unemployment of university graduates and structural unemployment" *Journal of Social Sciences: Religion and Communication*, (10), 7-36 (In Persian).
- Dalby, S. (2008), *Critical Geopolitics and Security*, *Handbook of New Security Studies*, Available at: <https://www.researchgate.net>.
- Ghasemi, F. (2016), *Theories of international relations and regional studies*, Tehran: Miizan Publishing (In Persian).
- Haghshenas, S., Azghandi, S. & Tavasoli RoKnabadi, M. (2019), "The role of poverty in threats to the national security of the Islamic Republic of Iran: Case study: Kurdistan province", *Journal of rahyafi*, (13), 153-170 (In Persian).
- Jamoussi, H. B. O. & Gassab, M. (2014). Determinants of Graduate Unemployment in Tunisia, Available at: <https://www.researchgate.net/publication/254427728>, 1-12.
- Jones, M., Jones, R. & Woods, M. (2004), *An Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics*, This edition published in the Taylor & Francis e-Library, 2004, Available at: <http://elibrary.vssdcollege.ac.in>.
- Kurečić, P. (2016), "Identity and Discourse in Critical Geopolitics: A Framework for Analysis", Available at: [https://bib.irb.hr/datoteka/794654.Identity\\_and\\_Discourse\\_in\\_Critical\\_Geopolitics\\_-\\_paper\\_Kurecic\\_final.pdf](https://bib.irb.hr/datoteka/794654.Identity_and_Discourse_in_Critical_Geopolitics_-_paper_Kurecic_final.pdf), 1-22.
- Kuus, M. (2010), *Critical Geopolitics*, Available at: [http://www.isacomps.com/info/samples/criticalgeopolitics\\_sample.pdf](http://www.isacomps.com/info/samples/criticalgeopolitics_sample.pdf), 1-31.
- Malaie, M., Parvaie Haredasht, SH. & Rahiimi, K. (2017), "Development of higher education and unemployment" *Journal of Strategy*, (26), 20-37 (In Persian).
- Mohammadifar, Y. (2020), *Pathology of the causes of unemployment graduates of Kermanshah province and providing solutions for their employability*, Kermanshah: Research project report of research, technology and innovation working group of Kermanshah province. (In Persian).
- Mokhtaripour, M. (2003), "The effect of economic-educational factors on unemployment and employment of university graduates" *Journal of Work and Society*, (8), 28-39 (In Persian).
- Muir, R. (1975), *Modern political geography*, Cambridge shire College of Arts and Technology, Published by MACMILLAN EDUCATION LTD, Available at: <https://www.macmillanihe.com>.
- Muir, R. (2000), *Political Geography: A new introduction*, translated by Mirheydar, Dorreh and Safavi, Seyedyahya, Tehran: Geographical organization of the army publishing (In Persian).
- Murphy, A. (2015), Nationalism, sovereignty, social constructs, human rights, <http://www.exploringgeopolitics.org>.
- Naderi, A. (2006), "Paradox of lack of specialized manpower and unemployment of university graduates", *Journal of Work and Society*, (14), 4-39 (In Persian).
- Ó Tuathail, G., Dalby, S. & Routledge, P. (1998), *The Geopolitics Reader, Simultaneously published in the USA and Canada*, 2003, London and New York, This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- O'Higgins, N. (1997), *The challenge of youth unemployment*, Labour Market Economist Employment and Labour Market Policies Branch, Employment and Training Department, International Labour Office Geneva, First published 1997.

تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه (مسعود نادری و فرزاد رستمی) ۷۳۷

- O'Tuathail, G., Dalby, S. & Routledge, P. (1985), *The geopolitics thoughts in twentieth Century*, translated by Hafeznia, Mohammad Reza and Nasiri, Hashem, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing (In Persian).
- Pishgahifard, Z. & Rezaie, N. (2009), "Conceptual and exemplary examination of the holes of the government," *Journal of Applied researches in Geographical Sciences*, (9), 129-146 (In Persian).
- Sarmad, Z., Bazargan, A. & Hejazii, E. (2006), *Research Methods in Behavioral Sciences*, Tehran: Agah Publishing (In Persian).
- Short, J. R. (2003), *An Introduction To Political Geography*, Second edition first published 1993, London, This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- Veysi, H. (2016), "Investigating the effect of geographical factors on social security (case study of Kerman province)" *Journal of Geographical Researches*, (31), 169-185 (In Persian).



